

به نام خدا

جزوه ادبیات فارسی متوسطه اول و دوم

ویژه دانش آموزان مدارس خاص

(استعداد های درخشان ، نمونه و شاهد)

تهیه و تنظیم :

مجید رفیق دوست

دبیر مدارس خاص شهرستان الیگودرز

آپلود شده بر روی پایگاه اینترنتی سکوی علم

www.sakoyeelm.ir

هر گونه تکثیر و کپی برداری ممنوع می باشد

« آرایه های ادبی »

ب (بیان

الف (بدیع

الف (بدیع علمی است که به باز شناسی آرایه های لفظی و معنوی می پردازد .

بدیع بر دو نوع است : ۱- آرایه های لفظی ۲- آرایه های معنوی

آرایه های لفظی : یعنی زیبایی کلام که با لفظ انجام می شود .

آرایه های لفظی عبارتند از : واج آرایی ، سجع ، ترصیع ، جناس ، قلب ، ملمع .

واج آرایی (نغمه ی حروف) : تکرار یک واج (صامت یا مصوت) است ، در کلمه های یک مصرع یا یک بیت یا عبارت نثر به گونه ای که کلام را آهنگین می کند و آفریننده ی موسیقی درونی باشد و بر تاثیر سخن بیافزاید این تکرار آگاهانه ی واج ها را « واج آرایی » گویند .

مثال : خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خارزم وزان است

توضیح : در این بیت تکرار واج « خ » و « ز » باعث ایجاد موسیقی درونی شده است .

توجه : در زبان فارسی بیست و نه واج داریم / (بیست و سه صامت و شش مصوت)

صامت ها همان حروف الفبای فارسی هستند و مصوت ها « — » و « ا » ، « ی » ، « و » می باشند .

مثال : خیال خال تو با خود به خاک خواهم برد که تا ز خال تو خاکم شود عبیر آمیز (تکرار واج خ و ا)

مثال : شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی غیمت است چنین شبی که دوستان بینی (تکرار واج ش)

سجع : آوردن کلماتی در پایان جمله های نثر که در وزن یا حرف یا حرف آخر یا هر دو (وزن و حرف آخر) با هم یکسان باشد .

نکته ۱ : سجع در کلامی دیده می شود که حداقل دو جمله باشد یا دو قسمت باشد .

نکته ۲ : سجع باعث آهنگین شدن نثر می شود به گونه ای که دو یا چند جمله را هماهنگ سازد .

نکته ۳ : سجع در نثر حکم قافیه در شعر را دارد .

نکته ۴ : اگر در پایان جمله ها کلمات تکراری وجود داشته باشد ، سجع پیش از آن می آید .

مثال : الهی اگر بهشت چون چشم و چراغ است ، بی دیدار تو درد و داغ است

نکته ۵ : گاهی در جملات سجع ممکن است افعال به قرینه ی لفظی یا معنوی حذف شوند .

مثال ۱ : منت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت . (فعل « است » به قرینه ی لفظی حذف شده است .)

مثال ۲ : خلاف راه صواب است و نقض رای اولوالالباب « است » (حذف لفظی) ذوالفقار علی در نیام (باشد) و زبان سعدی در کام « باشد » (حذف معنوی) .

توضیح : فعل « باشد » در دو جمله ی پایانی به قرینه ی معنوی حذف شده است .

توجه : به نثر مسجع ، نثر آهنگین نیز می گویند .

« انواع سجع »

الف (سجع متوازن : آن است که کلمات سجع فقط در وزن اشتراک داشته دارند .

مثال : ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع .

توضیح : هر دو کلمه دارای هجای بلند می باشند لذا هم وزن اند .

مثال : طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل .

توضیح : دو کلمه ی « عزیز » و « ذلیل » دارای دو هجا ، یکی کوتاه و یکی کشیده هستند . لذا در وزن یکسانند .

ب (سجع مطرف : آن است که کلمات سجع فقط در **حرف یا حروف پایانی** با هم اشتراک دارند .

مثال : محبت را غایت نیست از بهر آنکه محبوب را **نهایت** نیست .

توضیح : کلمه ی « غایت » دارای دو هجا و کلمه ی « نهایت » دارای سه هجا می باشد پس دو کلمه هم وزن نیستند بلکه فقط در حرف آخر مشترک اند .

ج (سجع متوازی : به سجوی گفته می شود که کلمات سجع هم در حرف پایانی و هم در وزن یکسان می باشند .

مثال : باران رحمت بی حسابش همه را **رسیده** و خوان نعمت بی دریغش همه جا **کشیده** .

توجه : از آن جائیکه سجع متوازی ، زیباتر و خوش آهنگ تر است و در متون فارسی کاربرد بیشتری دارد . لذا شناخت این نوع سجع برای دانش آموزان عزیز با اهمیت تر می باشد .

نمونه هایی از آثار مسجع : اولین اثر با سجع در مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری (قرن پنجم) به کار گرفته شد و بعدها سعدی در « گلستان » ، جامی در « بهارستان » ، نصرالله منشی در « کلیله و دمنه » آن را به حد کمال خود رساندند . و در ادامه کسانی چون قائم مقام فراهانی در « منشآت » و قآنی در کتاب « پریشان » از آنها پیروی کردند .

ترصیع

آن است که کلمات مصراعی با مصراع دیگر یا جمله ای با جمله ی دیگر ، در وزن و حروف پایانی یکسان باشد (غیر از واژگان تکراری بقیه کلمات با هم سجع متوازی دارند .)

مثال ۱ : ای منور به تو نجوم جلال وی مقرر به تو رسوم کمال

مثال ۲ : باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده

جناس

آوردن کلماتی است در شعر و نثر که از نظر معنی کاملاً متفاوت اند اما از نظر شکل ظاهری و تلفظ و گاهی اختلافشان فقط در یک واج است .

« انواع جناس »

الف) جناس تام : آن است که دو کلمه جناس از نظر شکل ظاهری و تلفظ کاملاً یکسان ، اما از جهت معنی با هم فرق دارند .

مثال : عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته ی سودا نهاد

وجود و سرشت قرارداد

بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

گور خر قبر

کار پاکان را غیاس از خود مگیر گر چه باشد در نوشتن شیر ، شیر

شیر خوردنی نام حیوان

نکته : جناس هم در شعر و هم در نثر به کار می رود .

ب) **جناس ناقص :** ۱- جناس ناقص اختلافی ۲- جناس ناقص حرکتی ۳- جناس ناقص افزایشی

۱- **جناس ناقص اختلافی :** آن است که دو کلمه جناس در حرف اول ، وسط یا آخر با هم اختلاف داشته باشند .

مثال : تنگ است خانه ما را تنگ است ای برادر- بر جای ما بیگانه ننگ است ای برادر (برای حرف اول)

چوک زشاخ درخت خویشتن **آویخته** - زاغ سیه بر دو بال غالیه **آمیخته** (برای حرف وسط)

۲- **جناس ناقص حرکتی :** آن است که دو کلمه جناس علاوه بر معنی در حرکت (مصوت کوتاه) نیز با هم اختلاف دارند .

مثال : این چه ژاژ است چه کفر است و فشار پنبه ای در دهان خود فشار

۳- **جناس ناقص افزایشی :** آن است که دو کلمه جناس علاوه بر معنی ، در تعداد حروف نیز متفاوت اند بطوری که یکی از کلمات جناس حرفی در اول ، وسط یا آخر نسبت به کلمه های دیگر اضافه دارد .

مثال : این ره ، آن زاد راه و آن منزل است مرد رهی اگر ، بیا و بیار

سوالات تستی :

۱- در کدام گزینه «جناس» دیده می شود؟

(۱) تو به صورت رفته ای بی خبر / زان شاخ معنی ای، بی بار و بر

(۲) هر باغبان که گل به سوی برزن آورد / شیراز را دوباره به یاد من آورد

(۳) فریدون فرخ فرشته نبود / ز مشک و ز عنبر سر رشته نبود

(۴) خرامان بشد سوی آب روان / چو جان رفته گویا بیاید روان ✓

۲- در هر یک از ابیات زیر بین کدام کلمات "جناس" به کار رفته است؟ نوع هر جناس را مشخص کنید.

الف) ای گدایان خرابات، خدایار شماس است / چشم إنعام مدارید ز أنعامی چند (جناس ناقص حرکتی)

ب) کار دلم به جان رسید، کارد به استخوان رسید / ناله کنم بگویدم: دم مزن و بیان مکن (جناس ناقص افزایشی)

۳- در شعر زیر، دو واژه را بیابید که با هم "جناس" دارند.

الف) شمع جویی و آفتاب بلند / روز بس روشن بود و تو در شب تار

ب) چشم بگشا به گلستان و بین / جلوه ی آب صاف در گل و خار (جناس ناقص اختلافی)

چرا می گوئیم در عبارت زیر " جناس تام " وجود دارد؟

"برادر که دربند خویش است / نه برادر، نه خویش است" (خویش اول به معنای خود انسان و خویش دوم به معنای فامیل می باشد)

۴- در کدام بیت، همه ی آرایه های «جناس، استعاره، کنایه و تشبیه» موجود است؟

۱) آن کس که سر به جیب قناعت فرو نبرد بگذار تا به چه مذلت فرو رود

۲) مهمانسراست خانه ی دنیا که اندرو یک روز این بیاید و یک روز او رود

۳) گفتم ببینمش مگر درد اشتیاق ساکن شود، بدیدم و مشتاق تر شدم

۴) گویند روی سرخ تو سعدی که زرد کرد؟ اکسیر عشق به مِسَم افتاد و زر شدم ✓

۵- در مصراع « یاد یاران یار را میمون بود » کدام نوع جناس وجود دارد؟

الف) جناس تام ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص اختلافی ✓ د) جناس ناقص افزایشی

قلب

آن است که نویسنده با جابه جا کردن اجزای یک ترکیب وصفی یا اضافی، ترکیب تازه و زیبایی را با معانی جدید به وجود به وجود آورد و به کنار هم قرار دادن این دو ترکیب به کلام خویش ارزش هنری ببخشد.

مثال : حافظ مظهر روح اعتدال و اعتدال روح اقوام ایرانی است .

نکته : گاهی ممکن است اجزای تشکیل دهنده ی آرایه « قلب » بصورت یک ترکیب وصفی یا اضافی نباشد .

ملمع

آن است که شاعر فارسی زبان یک مصراع یا یک بیت از شعر خود را به زبان دیگری (معمولاً به زبان عربی) بسراید .

مثال : سل المصانع ركباً تهيم في الغلوب تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی

* ترجمه : برکه ها و تالاب های بیابان را از شتر سوارانی سر گشتگان بیابانند بپرس .

توجه : دانش آموزان عزیز به خاطر بسپارید که در **ملمع** بیت یا **مصراع عربی** (هر زبان دیگر) باید سروده ی خود شاعر باشد نه اینکه از کسی یا جایی نقل قول (**تضمین**) کند . اگر شاعر بیتی دیگر به هر زبانی را از شاعر دیگری در شعر خود بیاورد انگاه **تضمین** نموده است .

آرایه های معنوی

یعنی زینت و زیبایی کلام که از طریق معنی حاصل شود .

آرایه های معنوی عبارتند از : مراعات نظیر ، تضاد ، متناقض نما ، حس آمیزی ، تلمیح ، تضمین ، اغراق ، ایهام ، ایهام تناسب ، تمثیل ، ارسال المثل ، اسلوب معادله ، حسن تعلیل ، لف و نشر .

مراعات نظیر (تناسب)

اگر گوینده در کلام خویش مجموعه ای از کلمات را بیاورد که به نوعی با هم تناسب و ارتباط داشته باشند ، آن را مراعات نظیر گویند .

نکته : تناسب میان کلمات می تواند از نظر جنس ، نوع ، مکان ، زمان ، همراهی و ... باشد .

نکته : بیشترین کاربرد مراعات نظیر در شعر است اما گاهی در نثر هم دیده می شود .

مثال : رود شاخ گل در بر نیلوفر برقصد به صد ناز گلنارها

(شاخ ، گل ، نیلوفر و گلنار — مراعات نظیر)

در شعرها و عبارت های زیر ، آرایه ی مراعات نظیر را بیابید و مشخص کنید که تناسب واژه ها از چه جهت است ؟

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تاتوانی به کف آری و به غفلت نخوری

مراعات نظیر و از نظر مکانی با هم تناسب دارند . / نان ، خوردن ، همراهی (سعدی)

شعاع آفتابم من، اگر در خانه ها گردم عقیق و زر و یاقوتم ، ولادت ز آب و طین دارم

مراعات نظیر — از نظر جنس / همراهی

(مولوی)

دردی است درد عشق که هیچش طبیب نیست گر دردمند عشق بنالد ، غریب نیست

مراعات نظیر در همراهی واژه ها. (سعدی)

حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

(حافظ)

سرت را نباید زتن دست شست

(فردوسی)

نکته: آرایه های مراعات نظیر ممکن است بین دو کلمه یا بیشتر اتفاق بیفتد.

سوالات تستی

۱. کدام گروه از کلمات زیر شبکه‌ی مراعات نظیر تشکیل نمی‌دهد؟

✓ ۱- سبز ، درخت ، بهار ۲- ساحل ، کشتی ، موج ۳- آسمان ، خورشید ، ماه ۴- زندگی ، احتیاج ، دانش

۲- در کدام گزینه شبکه مراعات نظیر وجود دارد؟

الف (درخت ، شاخه ، پرنده ✓ ب (آسمان ، کوه ، تبر ج (رشد ، نوجوان ، ماشین د (بازی ، میدان ، دریا

تضاد (طباق) آوردن دو کلمه ی متضاد در سخن به گونه ای که سبب زیبایی کلام گردد.

نکته : تضاد هم در شعر و هم در نثر یکبار می رود .

مثال : صبح امید که بد معتكف پرده ی غیب
گو برون آی که کار شب تار آخر شد

1 2 2 2

نکته : فعل ها نیز می توانند آرایه تضاد را به وجود آورند .

مثال : پروردگارا!! از خصلت طمع که دنائت آورد و آبرو ببرد ...

مثال : بسیار سیه سپید کرده است // دوران سپهر لاجوردی

تناقض: نسبت دادن دو حالت و ویژگی متضاد به یک پدیده است. مانند: سیر گرسنه - خاموش گویا.

چیست این سقف بلند «ساده بسیار نقش» // زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

طنز یعنی «گریه کردن قه قه» // طنز یعنی «خنده ی پر اشک و آه»

سوالات تستی :

۱- در همه گزینه ها به جز گزینه آرایه تضاد وجود دارد.

۱/ از همه عالم نهان و بر همه پیدا.

۲/ در بن چاهی به زیر صخره ی صما.

۳/ صورت خوب آفرید و سیرت زیبا.

۴/ قسمت خود می خورند منعم و درویش

۲. با توجه به بیت «چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری / که تا بر هم زنی دیده، نه این بینی، نه آن بینی» کدام

آرایه ی ادبی وجود ندارد؟

(۱) استعاره ✓

(۲) تضاد

(۳) لف و نشر

(۴) جناس

متناقض نما (پارادکس)

آن است که در کلام دو امر متضاد را به یک چیز نسبت بدهیم به گونه ای که ظاهراً وجود یکی نقض وجود دیگری باشد . شاعر این امر متضاد را چنان هنرمندانه به کار می برد که قابل پذیرش است .

مثال : جامه اش شولای عریان است .

توضیح : واژه شولا به معنی « لباس » ، که برای پوشیدن بدن است و وقتی با « عریانی » همراه می شود معنی ضدیت خود را از دست می دهد .

دولت فقرخدایا به من ارزانی دار کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است

حافظ در این بیت ترکیب متناقض دولت فقر را درحالی به کار می برد که تضاد میان فقر و دولت آشکار است

ز کوی یار می آید نسیم باد نوروژی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی

حافظ در این بیت بسیار زیبا و شاعرانه تناقض میان وزش باد و افروختن چراغ را به کار می برد و تأکید دارد که نسیم باد نوروژی و نه هر بادی مسبب روشنایی و برافروختگی چراغ دل آدمی می گردد.

سوالات تستی :

۱- درهمه ی ابیات به جز بیت آرایه ی « پارادوکس » وجود دارد.

۱. بنیاد ما خرابی ما استوار کرد ✓ گویی که سود داشت « نظیری » زبان ما

۲. تو میدانی و خاطر باتو ذوق گفتگودارد گدا هنگام مردن پادشاهی آرزو دارد

تا نشکنند مارا، مار راظفر نباشد

۳. فیروزی ضعیفان در عجز و انکسار است

نخندید جز گریه بر روی من

۴. ندیده است تا نرگست سوی من

۲- در کدام گزینه آرایه ی «متناقض نما» به کار نرفته است ؟

الف (خنده اش خونی است اشک آمیز

ب) جامه اش شولای عریانی است

✓ ج) باغ بی برگی که می گوید که زیبا نیست

د) بر بساطی که بساطی نیست .

حس آمیزی

آمیختن دو حس است در یک کلام به گونه ای که از یک حس به جای حس دیگر استفاده شود . و این آمیختگی سبب زیبایی سخن گردد . **مثال :** ببین چه می گویم .

توضیح : شما سخن را با حس شنوایی در می یابید اما گویند از شما می خواهد سخن او را ببینید که به این آمیختگی حس ها ، « **حس آمیزی** » می گویند .

مثالهای دیگر : خبر تلخی بود - روشنی را بچشیم - با مزه نوشتن - آوای سبک و لطیف .

تلمیح : آن است که گویند در ضمن کلام خویش به آیه ، حدیث ، داستان ، واقعه ی تاریخی ، اسطوری و افسانه ای اشاره داشته باشد .

مثال : آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه ی فال به نام من دیوانه زدن

توضیح : اشاره به آیه ی « انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض ... »

نکته : گاهی در آرایه ی تلمیح ، آرایه ی **مراعات نظیر** هم به کار می رود .

مثال : بیستون بر سر راه است ، مباد از شیرین خبری گفته و غمگین دل **فرهاد** کنید (اشاره به داستان شیرین و فرهاد)

مثال : **ناشناسی که به تاریکی شب می برد شام یتیمان عرب** (اشاره به غذا بردن امام علی ع برای یتیمان)

مثال : **عشق با دشوار ورزیدن خوش است چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است** (اشاره به ماجرای حضرت ابراهیم ع)

مثال : **ای دل از سیل فنا بنیاد هستی بر کند چون تو را نوح است کشتیبان ز توفان غم مخور** (اشاره به ماجرای حضرت نوح ع)

تضمین: آن است که شاعر یا نویسنده در میان کلام (شعر یا نثر) خود آیه ، حدیث ، مصراع یا بیتی را از شاعر دیگر عیناً بیاورد .

نکته : اگر بیت یا مصرعی از شاعر دیگر به عنوان تضمین بیاورد معمولاً نام آن شاعر به گونه ای ذکر می شود .

نکته : معمولاً عبارت تضمین شده داخل گیومه قرار می گیرد .

هدف از تضمین : ۱- اعتبار بخشیدن به سخن ۲- خلاصه کردن مفاهیم گسترده و طولانی ۳- ضمانت برای اثبات ادعا

مثال : چه زخم چو نای هر دم ز نوای ساز او دم که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

« همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی به پیام آشنایی بنوازد این نوا را »

توضیح : بیت دوم این شعر را شهریار از حافظ تضمین کرده است .

چشم حافظ زیر بام قصر او خورک سرشت
شیوه ی جنات و تجرک تحتها النهار داشت

حافظ

تضمین از قرآن

نمونه :

خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

حافظ

تضمین از شعر بوی جوی مولیان

نمونه :

زینهارا از قرین بد زینهار
وقتا ربنا عذاب النار

سعدی

بزرگ نمایی همان افراط در توصیفات و بیان احساسات گوینده به گونه ای مؤثر است که به آن اغراق

می گوئیم و بر این پایه به سه گونه آمده است :

۱- مبالغه: آن است که گوینده چیزی را ادعا می کند که هم از دیدگاه عقل و خرد ممکن و شدنی است هم عادتاً در آزمونهای زندگی نمونه هایی دارد، مثلاً کسی به یار و دوست عزیزش بگوید : من ان قدر به تو انس دارم به طوری که دیگر کسی را دوست ندارم و از دیدن خلق جهان ملول و بیزارم.

اگر چه ممکن است این شخص با افراد دیگری هم صحبت و انس داشته باشد می خواهد شدت انس و علاقه ی زیادش را به یارش بیان کند.

سعدی می گوید: اندرون با تو چنان انس گرفته است مرا که ملالم ز همه خلق جهان می آید

هر چند می دانیم که سعدی در سفر بوده و با مردم هم ارتباط داشته است.

مثال دیگر هم از او : جزای آن که نگفتیم شکر روز وصال شب فراق نخفتیم لاجرم ز خیال

امکان عقلی و عرفی و عادت‌ی وجود دارد که کسی از خیال یارش شب تا صبح بیدار باشد.

امید هست که در عهد جود و انعامش چنان شود که منادی کنند بر سائل

امکان دارد که در دوره ی کسی آن چنان بخشش و سخاوت به فقرا زیاد شود به طوری که به دنبال سایل و خواهنده بگردند که به او انعام دهند.

سروها دیدم در باغ و تأمل کردم قامتی نیست که چون تو به دلارایی هست

دیگر: سعدی به روزگاران مهری نشسته بر دل بیرون نمی توان کرد الا به روزگار

۲- اغراق: آن است که عقلاً ممکن باشد ولی عادتاً ناممکن و ناشدنی. مثلاً بگوییم:

او آن چنان محو تماشای دیدن تصویر بود که اگر تیر هم می آمد و به چشمانش می خورد، بسته نمی شد. این سخن از نظر عقلی امکان دارد که کسی آن قدر حواسش به چیزی باشد که از اطرافش بی خبر باشد ولی از نظر عرفی و عادت‌ی غیر ممکن است زیرا در این حالت به طور ناخودآگاه پلک به هم می خورد.

و آن است که در وصف و ستایش یا ذم و نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده روی کنند، چندان که از حد عادت و معمول بگذرد.

نکته ۱: اغراق هم در شعر و هم در نثر کاربرد دارد.

نکته ۲: اغراق مناسب ترین آرایه برای تصویر کشیدن یک دنیای حماسی است.

نکته ۳: زیبایی اغراق در این است که غیر ممکن را طوری ادا می کند که ممکن و درست به نظر می رسد.

مثال: شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

مثال از سعدی : ز دیدنت نتوانم که دیده بر دوزم و گر معاینه بینم که تیر می آید

منظور سعدی آن است که زیبایی معشوق چنان او را محو کرده که اگر ببیند تیر هم به سوی او می آید باز چشمانش را نخواهد بست.

می بینیم که تأثیر زیبایی این بیت و بیان حالات عاطفی و عاشقانه از راه اغراق چقدر زیباتر و مؤثرتر از یک جمله ی خبری و زبانی است.

۳- **غلو** : آن است که نه عقلاً و نه عادتاً ممکن نباشد. نه با عقل و خرد جور در می آید نه به صورت عادی در زندگی نمونه داشته است؛ مثلاً دهان کوچک کسی را به نقطه و صفر و هیچ، مانند کنند و کمر باریک او را به مو.

حافظ می گوید : هیچ است آن دهان و نبینم از آن نشان موی است آن میان و ندانم که آن چه موست

یا در مورد کسی بگویند آن قدر لاغر و سبک وزن شده که مگس او را از زمین بلند می کند:

نمونه از مسعود سعد سلمان : شد تن من چنان که گر خواهد مگس آسان ز جای بر باید

یا از شدت ضعف به جایی رسیده که اسرار درونش هم پیداست:

از ضعیفی چنان شدم که ز تن در دل من ببینی اسرارم

یا کسی در بیان شدت سرمای هوا بگوید از سرما مثل یک تکه یخ شدم و پاهایم مانند ملخ تا پشت سرم رفته:

از سردی دی فسرده مانند یخم زانو پس پشت رفته همچون ملخم

نمونه های دیگر : بس که می پیچم به خود زنجیر می آید برون از جراحتهای من هر کس که پیکان می کشد (جویا تبریزی)

هزار سال پس از مرگ من چو باز آیی ز خاک نعره برآرم که مرحبا ای دوست

به دنبال محمل چنان زار گریم که از گریه ام ناقه در گل نشیند

ز بس که بال زد دلم به سینه در هوای تو اگر دهان گشودمی کبوتری در آمدی (سایه)

ایهام : ایهام در لغت به معنای در شک و گمان افکندن است اما در اصطلاح علم بدیع ، آوردن واژه ای است با حداقل دو معنی مناسب کلام یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد و معمولاً مقصود شاعر معنی دور آن است و گاهی نیز هر دو معنی مورد نظر می باشد .

نکته ۱ : ایهام نوعی بازی با ذهن است به گونه ای که ذهن را بر سر دوراهی قرار می دهد .

نکته ۲ : انتخاب یکی از دو معنی ایهام در یک لحظه بر ذهن دشوار است و این امر باعث لذت بیشتر خواننده می شود .

نکته ۳ : شرط شناخت ایهام در آن است که خواننده معانی مختلف یک واژه را بداند .

مثال : حکایت لب شیرین کلام فرهاد است شکنج طره ی لیلی مقام مجنون است

توضیح : واژه « شیرین » دو معنی دارد : ۱- خوشمزه و گوارا ۲- نام معشوقه ی فرهاد

ایهام تناسب : به کار گیری واژه ای با حداقل دو معنی که یک معنی آن مورد نظر شاعر و پذیرفتنی است و معنی دیگر با کلمه یا کلماتی از بیت یا عبارت تناسب دارد .

نکته : ایهام تناسب مجموعه ای از ایهام و مراعات نظیر است .

مثال ۱ : چون شبم افتاده بدم پیش آفتاب مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

توضیح : واژه ی « مهر » ایهام تناسب دارد ، چون معنی مورد نظر شاعر عشق و محبت است اما غیر از این معنی واژه ی « مهر » به معنی خورشید است که در این صورت با واژه های « عیوق و آفتاب » تناسب دارد .

مثال ۲ : گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است

توضیح : واژه ی « هزار » به دو معنی است : ۱- بلبل ۲- عدد هزار که در این جا منظور شاعر معنی دوم است اما غیر از معنی فوق کلمه ی « بلبل » با کلماتی چون « باغ ، نغمه و ترانه » تناسب دارد .

تمثیل : آن است که شاعر یا نویسنده به تناسب سخن خویش ، حکایت ، داستان یا نمونه و مثالی را ذکر می کند تا از این طریق ، مفاهیم و نظریات خود را به خواننده یا شنونده منتقل نماید و آنچه در این میان مهم است نتیجه ی تمثیل می باشد که می تواند سرمشقی برای موارد متفاوت باشد .

نکته : در این داستان ها و حکایات (تمثیل ها) هر یک از حیوانات یا اشیا و جمادات نماد و نشانه ی چیزی هستند .

مثلاً در درس عبرت از کتاب سال اوّل شیر نماد حق و قدرت مطلق ، گرگ نماد انسان های خود بین و گستاخ و روباه نماد انسان های عبرت پذیر و تسلیم شده می باشند .

ضرب المثل : اگر گوینده در کلام خود ضرب المثلی را آگاهانه به کار گیرد و یا کلام او بعداً ضرب المثل شود ، می گوئیم دارای آرایه ی ضرب المثل است .

مثال ۱ : آن دم که دل به عشق دهی خوش دمی بود در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

مثال ۲ : تو نیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

- مثال ۳:** من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش / هر کسی آن درود عاقبت کار، که کشت (حافظ)
- مثال ۴:** دل من نه مرد آن است که با غمش برآید / مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی (سعدی)
- مثال ۵:** محرم این هوش جز بیهوش نیست / مرزبان را مشتری چون گوش نیست (مولوی)

اسلوب معادله: آن است که شاعر دو مصراع یک بیت را به گونه ای هنرمندانه بیان کند که در ظاهر هیچ گونه ارتباطی با یکدیگر ندارد اما وقتی به دو مصراع خوب دقت کنیم در می یابیم که مصراع دوم در حکم مصداقی برای مصراع اول است تا جایی که می توان جای دو مصراع را عوض کرد و میان آن ها علامت مساوی گذاشت و این ارتباط معنایی نیز بر پایه ی تشبیه استوار است .

- مثال ۱:** عیب پاکان زود بر مردم هویدا می شود / موی اندر شیر خالص زود پیدا می شود
- مثال ۲:** محرم این هوش جز بی هوش نیست / مرزبان را مشتری جز گوش نیست

حسن تعلیل: آن است که شاعر یا نویسنده برای سخن خود دلیلی زیبا و شاعرانه می آورد به گونه ای که این دلیل ادبی قدرت قانع کردن مخاطب را دارد . و این علت سازی مبتنی بر تشبیه است .

نکته: دلیلی که شاعر برای ادعای خود می آورد در حقیقت دلیلی واقعی و عقلانی نیست بلکه دلیلی است بر پایه ی ذوق و احساس شاعرانه .

- مثال ۱:** نفحات صبح دانی زچه روی دوست دارم / که به روی دوست ماند که برافکند نقابی

توضیح: شاعر دلیل دوست داشتن روشنی صبح را در این می داند که به چهره ی معشوق او می ماند آنگاه که نقاب از چهره بر می دارد .

- مثال ۲:** از صوفی پرسیدن هنگام غروب خورشید چرا زرد رو است ؟ گفت : از بیم جدایی

لف و نشر: ل ف در لغت به معنی پیچیدن و نشر به معنی پراکندن است اما در اصطلاح ادب آوردن دو یا چند کلمه است در بخشی از کلام که توضیح آن ها در بخش دیگر آمده است .

نکته ۱: کلماتی که در بخش اول می آیند ، « ل ف » و کلماتی که به عنوان توضیح در بخش دوم می آیند ، « نشر » نام دارند .

نکته ۲: هرگاه نظم و ترتیب بین کلمات « ل ف و نشر » رعایت شده باشد ، آن را « ل ف و نشر مرتب » گویند و در غیر این صورت « ل ف و نشر مشوش » خوانده می شود .

- مثال ۱:** تا رفتنش بینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر همه صمع و بصر شدم

توضیح : واژه های « بینم » و « بشنوم » لف است . و دو واژه ی « سمع و بصر » نشر قرار گرفته است . چون کلمات « نشر » به ترتیب برای توضیح کلمات « لف » قرار نگرفته اند ، لذا به آن « لف و نشر مشوش » گویند . (بصر شدم تا بینم ، سمع شدم تا بشنوم)

مثال ۲ : دو کس دشمن ملک و دینند : پادشاه بی حلم و زاهد بی علم .

توضیح : دوترکیب « دشمن ملک و دشمن دین » لف و دوترکیب « پادشاه بی حلم و زاهد بی علم » نشر هستند . لذا چون توضیح « نشر » با « لف » برابر است . آن را « لف و نشر مرتب » گویند . (پادشاه بی حلم دشمن ملک و زاهد بی علم دشمن دین هستند)

ب : بیان : بیان شاخه ای از آرایه های ادبی است و به واسطه ای آن شناخته می شود که یک معنی را چگونه به طریق مختلف می توان ادا کرد .

بیان شامل مباحث : تشبیه ، استعاره ، مجاز و کنایه .

تشبیه : یعنی مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفاتی با هم مشترک باشند .

هر تشبیه دارای چهار رکن یا پایه است :

۱- **مشبه :** کلمه ای که آن را به کلمه ای دیگر تشبیه می کنیم .

۲- **مشبه به :** کلمه ای که کلمه ی دیگر به آن تشبیه می شود .

۳- **ادات تشبیه :** کلمات یا واژه هایی هستند که نشان دهنده ی پیوند شباهت می باشند و عبارتند از : همچون ، چون ، مثل ، مانند ، به سان ، شبیه ، نظیر ، همانند ، به کردار و

۴- **وجه شبه :** صفت یا ویژگی مشترک بیت مشبه و مشبه به می باشد . (دلیل شباهت)

مثال : علی مانند شیر شجاع است .

مشبه ادات مشبه به وجه شبه

نکته : « مشبه » و « مشبه به » طرفین تشبیه نام دارند . که در تمام تشبیهات حضور دارند اما « ادات تشبیه » و « وجه شبه » می توانند در یک تشبیه حذف شوند . که در این صورت تشبیه با داشتن دو رکن « مشبه » و « مشبه به » برقرار است .

مثال : دل همچو سنگت ، ای دوست به آب چشم سعدی عجب است اگر نگردد که بگردد آسیابی

توضیح : دل به سنگ تشبیه شده است اما وجه شبه « سختی » در این بیت نیامده است .

نکته : در تشبیه وقتی که « وجه شبه » و « ادات تشبیه » حذف شود ، به آن « تشبیه بلیغ » می گویند . (تشبیه بلیغ زیباترین و رساترین تشبیه است .)

مثال : دلش سنگ است .

مشبه مشبه به

نکته ۱ : در تشبیه همیشه وجود وجه شبه در « مشبه به » قویتر و بارز تر است که ما « مشبه » را در داشتن وجه شبه به آن تشبیه می کنیم .

نکته ۲ : هر چه ارکان تشبیه کمتر باشد تشبیه ادبی تر است . (البته داشتن مشبه و مشبه به الزامی است)

نکته ۳ : هرگاه در تشبیه بلیغ ، یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه به) به دیگری اضافه (مضاف الیه) شود . به آن « اضافه ی تشبیهی » یا « تشبیه بلیغ اضافی » می گویند . در غیر این صورت ، تشبیه بلیغ اضافی است .

توجه : این نوع تشبیه در کتاب های درسی بیشترین کاربرد را دارد .

مثال : صبح امید که بد معتکف پرده ی غیب گو برون آی که کار شب تار آخر شد

اضافه ی تشبیهی اضافه ی تشبیهی

توضیح : امید به صبح تشبیه شده و غیب به پرده .

ترکیباتی مثل : درخت دوستی ، همای رحمت ، لب لعل ، کیمیای عشق ، خانه ی دنیا ، فرعون تخیل ، نخل ولایت و ...
اضافه ی تشبیهی محسوب می شوند .

۱- تشبیه مفرد : تشبیهی که هر یک از « مشبه » یا « مشبه به » آن ، یک ، چیز است و « وجه شبه » آن از همان یک چیز گرفته می شود . (شباهت آن ها فقط در یک چیز است)

مثال : دانش اندر دل چراغ روشن است .

مشبه مشبه به وجه شبه

توضیح : در این مثال وجه شبه (روشنی از یک کلمه چراغ) استخراج شده است .

یادآوری : تمامی مثالهایی که تاکنون برای شما ذکر کردیم ، از همین نوع تشبیه می باشند .

۲- **تشبیه مرکب** : آن است که هریک از « مشبه » یا « مشبه به » دو یا چند چیز هستند و وجه شبه نیز از دو یا چند چیز گرفته می شود .

مثال : دیده ی اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود همچنانکه چاه به شبنم

مشبه وجه شبه مشبه به

توضیح : « مشبه » ترکیبی از دو چیز است (دیده ی اهل طمع و نعمت دنیا) و « مشبه به » نیز دو چیز است (چاه و شبنم) به این معنی : همانطور که چاه با شبنم پر نمی شود ، چشم حریصان نیز با نعمت دنیا سیر نمی شود .

نکته : در تشبیه مرکب در حقیقت یک شکل کلی به شکل کلی دیگر همانند می شود .

استعاره : استعاره در لغت به معنی عاریت گرفتن و عاریت خواستن است اما در اصطلاح استعاره نوعی تشبیه است که در آن یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه به) را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند .

نکته : اصل استعاره بر تشبیه استوار است و به دلیل اینکه در استعاره فقط یک رکن از تشبیه ذکر می شود و خواننده را به تلاش ذهنی بیشتری وا می دارد ، لذا استعاره از تشبیه رساتر ، زیباتر و خیال انگیز تر است .

انواع استعاره : با توجه به اینکه در استعاره یکی از طرفین تشبیه ذکر می شود ، آن را بر دو نوع تقسیم کرده اند .

۱- استعاره ی مصرحه ۲- استعاره ی مکنیه

استعاره ی مصرحه (آشکار) : آن است که « مشبه به » ذکر و « مشبه » حذف گردد . (در واقع مشبه به جانشین مشبه می شود .)

مثال ۱ : ای آفتاب خوبان می جوشد اندرونم یک ساعت بگنجان در سایه ی عنایت

توضیح : « آفتاب خوبان » استعاره برای معشوق است . (آفتاب خوبان « مشبه به » که ذکر شده و معشوق « مشبه » حذف شده است .)

مثال ۲ : صدف وار گوهر شناسان را دهان جز به لؤلؤ نکردند باز

توضیح : « لؤلؤ » استعاره از سخنان با ارزش است . (لؤلؤ « مشبه به » ذکر شده و سخنان با ارزش « مشبه » که حذف شده است .)

استعاره مکنیه : آن است که « مشبه » به همراه یکی از لوازم و ویژگی « مشبه به » ذکر گردد و خود « مشبه به » حذف شود .

نکته ۱ : گاهی لوازم یا ویژگی « مشبه به » در جمله به « مشبه » نسبت داده می شود .

مثال : مرگ چنگال خود را به خون فلانی رنگین کرد .

توضیح : « مرگ » را به « گرگی » تشبیه کرده است که چنگال داشته باشد اما خود « گرگ » را نیاورد و « چنگال » که یکی از لوازم و ویژگی گرگ است به آن (مرگ) نسبت داده است .

نکته ۲ : گاهی لوازم یا ویژگی « مشبه به » در جمله به « مشبه » اضافه می شود که در این صورت « اضافه ی استعاری » است .

مثال ۱ : سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره از آن چکید و نامش دل شد

توضیح : « روح » را به بدنی تشبیه کرده که « رگ » داشته باشد و « رگ » را که یکی از ویژگی های « مشبه به » است به « روح » اضافه کرده است .

مثال ۲ : مردی صفای صحبت آینه دیده از روزن شب شوکت دیرینه دیده

اضافه استعاری

توضیح : « شب » را به اطاقی تشبیه کرده که « روزن یا پنجره » داشته باشد و « روزن » را که یکی از ویژگیهای « مشبه به » بود به « شب » اضافه کرده است .

نکته : جمله ای که در آن آرایه **استعاره** به کار رفته ادبی تر است ، نسبت به جمله ای که دارای آرایه تشبیه است .

نکته : در **اضافه ی استعاری** « مضاف » در معنی حقیقی خود بکار نمی رود و ما « مضاف الیه » را به چیزی تشبیه می کنیم که دارای جزء یا اندامی است ولی چنین جزء و اندام که « مضاف » است برای « مضاف الیه » یک واقعیت نیست بلکه یک تصور و فرض است .

مثال : دست روزگار _____ دست برای روزگار یک تصور و فرض است .

روزن شب _____ روزن یا پنجره ای برای شب یک تصور است و واقعیت ندارد .

نکته ی مهم : در استعاره مکنیه چنانچه مشبه به ، انسان باشد ، به آن « تشخیص » گویند .

تشخیص (آدم نمایی ، انسان انگاری ، شخصیت بخشی)

نسبت دادن حالات و رفتار آدामी به دیگر پدیده های خلقت است . (دادن شخصیت انسانی به موجوداتی غیر از انسان)

مثال ۱ : برگ های سبز درخت در وزش نسیم به **رقص** در می آیند .

توضیح : رقصیدن یکی از حالات و رفتار انسانی است که در این جا به برگهای درخت نسبت داده شده است .

مثال ۲ : سحر در شاخسار بوستانی چه خوش می گفت مرغ نغمه خوانی

نکته : هر موجودی غیر از انسان در کلام « منادا » قرار گیرد آن کلام دارای تشخیص است .

مثال : ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

نکته : همانطور که اشاره شد استعاره مکنیه ای که ، مشبه به آن « انسان » باشد ، تشخیص خواهد بود چه به صورت ترکیب اضافی باشد یا غیر اضافی .

مثال : ابر می گرید و می خندد از آن گریه چمن .

۱ ۱ ۲ ۲

توضیح : در مثال فوق دو تشخیص به کار رفته است ، گریه را به ابر نسبت داده است و خنده را به چمن .

توجه : ترکیباتی نظیر : دست روزگار ، پای اوهام ، دست اجل ، قهقهه ی قشنگ ، حیثیت مرگ ، زبان سوسن ، دهن لاله و ... همگی اضافه ی استعاری مکنیه (تشخیص) هستند .

نکته : همه ی تشخیص ها استعاره ی مکنیه می باشند ، اما استعاره مکنیه زمانی تشخیص است که « مشبه به » آن انسان باشد .

مثال ۱ : اختر شب در کنار کوهساران ، سر خم می کند .

مثال ۲ : دیده ی عقل مست تو چرخه ی چرخ پست تو .

مثال ۳ : به صحرا شدم عشق باریده بود .

توضیح : در مثال (۱) اختر شب به « انسانی » تشبیه شده که سرش را خم می کند اما خود « انسان » مشبه به است ، نیامده است .

در مثال (۲) عقل را به انسانی تشبیه کرده و « دیده » که یکی از ویژگی های انسان است به آن اضافه شده اما در مثال (۳) عشق را به بارانی تشبیه کرده که ببارد .

تذکر : همان طور که گفته شد چون مثال (۱) و (۲) « مشبه به » آن ها انسان بوده دارای استعاره مکنیه و تشخیص است اما در مثال (۳) « مشبه به » باران است ، لذا فقط استعاره ی مکنیه داریم .

مجاز : مجاز به کار بردن واژه ای است در غیر معنی حقیقی به شرط وجود قرینه .

قرینه در مجاز: نشانه است که به کمک آن می توان معنی غیر حقیقی کلمه ای را فهمید.

مثال ۱: ایران در بازی های آسیایی شرکت می کند.

توضیح: کلمه ی « ایران » مجاز از یک تیم ورزشی از ایران است و « شرکت در بازی » قرینه است که به ما کمک می کند تا بفهمیم که منظور از کلمه ایران کشور ایران نیست .

مثال ۲: سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

توضیح: کلمه ی سینه مجاز از انسان عاشق است .

نکته: از آنجا که در استعاره لفظ در معنای حقیقی خود به کار نمی رود ، لذا هر استعاره ای نوعی مجاز است . پس هر مجازی استعاره نیست اما همه ی استعاره ها مجاز است .

کنایه: کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی دور و نزدیک است . که معنی نزدیک آن مورد نظر نیست اما گوینده جمله را چنان ترکیب می کند و به کار می برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل می شود.

نکته: در کنایه الفاظ همه حقیقی اند اما مقصود گوینده معنای حقیقی و ظاهری آن نیست.

نکته: کنایه معمولا در یک جمله یا یک ترکیب به کار می رود .

مثال ۱: هنوز از دهن بوی شیر آیدش.

توضیح: کنایه از این که هنوز بچه است و بارز ترین نشانه ی بچگی همان شیر خوردن است .

مثال ۲: که رهام را جام باده است جفت.

توضیح: کنایه از این که رهام عیاش و خوشگذران است و مرد جنگ نیست.

مثال ۳: نباید زدن سنگ را بر سبوی.

توضیح: سنگ را بر سبوی زدن کنایه از آزمایش و امتحان کردن است.

عباراتی نظیر: دست و پا کردن ، روی کسی را به زمین انداختن ، شکم را صابون زدن ، بند از بند گشودن ، زبان در کشیدن ، عنان گران کردن ، دهان دوختن ، پای در دامن آوردن ، سر زخاک بر آوردن ، دست ندادن ، دست به سیاه و سفید نزدن ، دست روی دست گذاشتن و ... همه کنایه هستند.

فعل: تعریف فعل فعل یا کنش، در لغت به معنای کار کردن است، و در اصطلاح بر انجام کاری در یکی از سه زمان (گذشته، حال، و آینده) دلالت میکند ؛ مانند : اناهیتا سفر کرد، پرویز سفر میکند ، مژگان به سفر خواهد رفت .

هر فعل دارای سه شخص است : ۱- متکلم ۲- مخاطب ۳- غایب ، که یا مفرد اند و یا جمع ؛ مانند :

	مفرد	جمع
متکلم	رفتم	رفتیم
مخاطب	رفتی	رفتید
غایب	رفت	رفتند

انواع افعال

در زبان فارسی ، فعل انواعی دارد به شرح زیر :

فعل معلوم : عبارت از فعلی است، که فاعل آن معلوم باشد؛ مانند: بهرام کتاب را آورد، که (بهرام) فاعل و معلوم است.

فعل مجهول : فعلی است، که فاعل آن مجهول - و نامعلوم - باشد ؛ مانند : کتاب آورده شد، که معلوم نیست توسط چه کسی آورده شده است.

فعل لازم : آن است ، که به مفعول احتیاج ندارد ؛ مانند: پروین آمد ، باران بارید ، که (پروین و باران) فاعل هستند و آمد و بارید (فعل) .

فعل متعدی : آن است، که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز احتیاج دارد ؛ مانند : پروین کتاب را آورد ، که (پروین) فاعل، (کتاب) مفعول بیواسطه و (آورد) فعل متعدی است.

افعال معین : افعال معین یا کمکی، آنهایی هستند، که هم خود شان به تنهایی صرف شوند و هم به کمک آنها سایر افعال صرف میشوند، مصادر آنها :

(خواستن) - خواسته بودم (شدن) - شده بود (توانستن) - توانسته بود (بایستن) - باید بروم (شایستن) - شاید بیاید میباید.

فعل تام: آن است، که همه زمانهای آن صرف شود ؛ مانند :

دید- (ماضی مطلق) دیده ام - (ماضی نقلی) دیده بودم - (ماضی بعید) دیده شد - (ماضی مجهول)

میدیدم - (ماضی استمراری) بین - (فعل امر) میبینم - (مضارع « حال ») خواهم دید - (مستقبل « آینده »)

فعل ناقص: فعلی است، که فقط معدودی از زمانهای آن صرف گردد، و آن هم نه تمام صیغه ها؛ بلکه یکی؛ مانند: از مصدر (بایستن) فقط (باید) و (میبایست) صرف میشود، و از مصدر (شایستن) نیز (شاید) و (بشاییم) یعنی: شایسته باشیم - که البته اکنون مورد استعمال ندارد - صرف شده است.

فعل با قاعده: فعل با قاعده - یا قیاسی - آن است، که هنگام تصریف تغییراتی پیدا میکند؛ اما این تغییرات بر طبق قاعده و دستوریست؛ مانند:

(سوختن) - میسوزم و بسوز (افروختن) - میافروزم و افروز (انداختن) - میاندازم و انداز

فعل بی قاعده: فعل بیقاعده - یا سمعی - فعلی است، که بر خلاف فعل با قاعده، تغییرات آن طبق قاعده و دستوری حاصل نمی شود؛ مانند:

(گسستن) - میگسلم، بگسل (نشستن) - مینشینم، بنشین (گفتن) - میگویم، بگو (خفتن) - میخوابم، بخواب

ملاحظه میشود، که در سه فعل (سوختن، افروختن، انداختن) - که به (ختن) ختم میشوند - تغییرات طبق قاعده یی بوده و {خ} تبدیل به {ز} میشود؛ ولی در افعال (گسستن) و (نشستن) - که هر دو به (ستن) ختم میشوند - تغییرات طبق قاعده و دستوری نیست، زمانی {ل} بگسل و زمانی {ن} بنشین به نظر میاید.

فعل امر: امر در لغت معانی مختلف دارد، از جمله (طلب و خواستن) است، و در اصطلاح، فعل امر فعلی است که طلب کاری را میرساند، یعنی هرگاه از کسی انجام عملی را بخواهیم، فعلی که استعمال میکنیم فعل امر است؛ مانند:

برو بزن بنشین بخور

در زبان فارسی، صیغه های که برای فعل امر در نظر میگیرند، معمولاً سه است:

بزن بزنید بزنند

یعنی: آنچه در محاورات استعمال میشود، این سه صیغه است؛ اما اصولاً صیغه های امر شش است:

بزنم بزنی بزند بزنیم بزنید بزنند

نکته ۱- گاهی حرف {ب} را از اول فعل امر حذف میکنند؛ مانند: (گو) و (کوش) درین بیت:

هر که فریاد رس روز مصیبت خواهد گو در ایام سلامت به جوانمردی کوش

۲- گاهی به جای حرف {ب}، لفظ (می) بر سر فعل امر قرار میگیرد؛ مانند (میکوش) درین بیت:

میکوش به هر ورق که خوانی تا معنی آن تمام دانی

فعل نهی: چون عده یی آن را به امر تعبیر کرده اند، بی مناسبت ندانستیم، که درینجا به توضیح آن بپردازیم.

نهی در لغت به معنای باز داشتن کسی از کاری است ، و در اصطلاح دستور زبان ، فعل نهی به فعلی گفته میشود ، که به موجب آن کسی را از کاری منع نماییم ؛ مانند : مزین ، مخور و

برای ساختن فعل نهی، کافیت که { ب } فعل امر را تبدیل { م } کنیم . البته امروز به جای { م } به غلط { ن } میگذارند ، که خلاف دستور است ؛ مانند : نزن و نخور ؛ زیرا { ن } علامت نفی است نه علامت نهی ؛ مانند : نمی زنم و نمی خورد، که فعل درین مثالها نفی است. در دو بیت زیر کلمات (مزین) و (مرنجان) فعل نهی است :

مزین بر سری تا توان دست زور که روزی بپایش در افتی چو مور

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی ز بامی که برخاست مشکل نشیند

فعل ماضی: فعلی را ماضی میگویند ، که بر انجام عملی یا وقوع حالتی در زمان گذشته دلالت کند؛ مانند : رفت ، گفت و خورد.

انواع فعل ماضی : فعل ماضی چهار نوع است، که ذیلا شرح میگردد :

ماضی مطلق: ماضی مطلق یا ساده، که بر انجام کاری در زمان گذشته نا معین و نامحدود دلالت مینماید؛ مانند : خوردم و گفتم، که معلوم نیست عمل خوردن و گفتن در زمان گذشته دور اتفاق افتاده یا در گذشته نزدیک.

شش صیغه فعل ماضی مطلق ازین قرار است :

از مصدر خوردن

	مفرد	جمع
متکلم	خوردم	خوردیم
مخاطب	خوردی	خوردید
غایب	خورد	خوردند

ماضی نقلی یا قریب: چنانچه از نامش پیداست، انجام عملی را که در گذشته نزدیک انجام شده بیان میدارد؛ مانند: خورده ام ، [خوانده ام و دیده یی.] برای ساختن ماضی قریب، باید اسم مفعول مصدر مورد نظر را بگیریم و به آخر آن ضمائر (ام - یی - است - ییم - یید - اند) را اضافه کنیم ؛ مانند : از مصدر خوردن

	مفرد	جمع
متکلم	خورده ام	خورده ییم
مخاطب	خورده یی	خورده یید
غایب	خورده است	خورده اند

ماضی استمراری : که بر انجام عملی در زمان گذشته، به نحو استمرار، یعنی دوام و همیشگی دلالت میکند؛ مانند: میخوردم ، میگفتم و.... معمولا وقتی به کار میرود، که عمل خوردن و گفتن، یک بار یا دو بار نبوده ؛ بلکه چندین بار و به کرات انجام پذیرفته باشد.

برای ساختن ماضی استمراری، کافیت که ماضی مطلق مصدر مورد نظر را بگیریم و به اول آن لفظ (می) یا (همی) درآوریم؛ مانند : از مصدر دیدن

مفرد	جمع	
می دیدم	می دیدیم	متکلم
می دیدی	می دیدید	مخاطب
می دید	می دیدند	غایب

امروز لفظ (همی) مورد استعمال ندارد ؛ ولی در قدیم - به خصوص در اشعار - لفظ (همی) [مورد استعمال زیادی داشته است.]

گاهی به آخر فعل ماضی مطلق (ی) درآورند، که درین صورت آن را ماضی استمراری ناقص گویند ؛ مانند :

[اگر دانستمی که وضع بدین منوال بودی، هرگز نیامدمی.]

ماضی بعید : فعلی است، که انجام عملی را در گذشته دور بیان میدارد؛ مانند : خورده بودم ، گفته بودی.

برای ساختن ماضی بعید، اسم مفعول مصدر مورد نظر را نوشته، و به آخر آن ماضی مطلق مصدر (بودن) را اضافه میکنیم ؛ مانند :

از مصدر رفتن

مفرد	جمع	
رفته بودم	رفته بودیم	متکلم
رفته بودی	رفته بودید	مخاطب
رفته بود	رفته بودند	غایب

فعل مضارع یا حال : فعل مضارع آن است ، که بر انجام کاری در زمان حال یا آینده نزدیک دلالت میکند؛ مانند: میخورم و مینویسم که ممکن است عمل خوردن و نوشتن فی الحال و در همان زمان گفتن انجام گیرد، یا در زمان آینده ، که البته با زمان حال فاصله زیاد ندارد.

انواع مضارع : در زبان فارسی ، فعل مضارع دو نوع است :

مضارع التزامی : که وقوع عملی را با شک و تردید بیان میکند، و معمولاً پیش ازان الفاظ (شاید) و (ممکن است) قرار میگیرد ؛ مانند : شاید بخورم ، ممکن است بخوانند.

مضارع اخباری : که انجام کاری را در زمان آینده – به نحو اخبار- بیان میدارد. به عبارت دیگر، از کاری که در آینده به طور قطعی و حتمی انجام میپذیرد خبر میدهد ؛ مانند :از مصدر نشستن

	مفرد	جمع
متکلم	مینشینم	مینشینیم
مخاطب	مینشینی	مینشینید
غایب	مینشیند	مینشینند

فعل مستقبل: آن است، که بر انجام عملی در آینده دور دلالت کند؛ مانند: خواهم خورد ، [خواهی رفت، خواهد دید .]

برای ساختن فعل مستقبل، باید فعل مضارع از مصدر (خواستن) را با حذف (می) بنویسیم، و شخص سوم ماضی مطلق مصدر مورد نظر را بعد ازان قرار دهیم؛ مانند :

از مصدر دیدن

	مفرد	جمع
متکلم	خواهم دید	خواهیم دید
مخاطب	خواهی دید	خواهید دید
غایب	خواهد دید	خواهند دید

وجوه افعال: وجه یعنی شکل و صورت، و وجوه یعنی صور و اشکال ، و در اصطلاح دستوری حالات و اشکال مختلف فعلها را (وجوه افعال) نامند. این حالات شش گونه است :

وجه شرطی

و آن شکلی از فعل است ، که انجام عمل را به صورت مشروط بیان میدارد ؛ مانند:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را (حافظ)

که درینجا بخشیدن سمرقند و بخارا ، مشروط به این است ، که محبوب دل شاعر را به دست آورد. قسمت اول

(مصرع اول) را شرط ، و قسمت دوم (مصرع دوم) را جزای شرط نامند.

وجه مصدری : آن است، که فعل به صورت مصدر بیان گردد ؛ مانند :

شمع را باید از این خانه برون بردن و کشتن تا که همسایه نداند که تو در خانه مایی (شهریار)

که در بیت فوق ، (برون بردن و کشتن) وجه مصدریست. و یا (چه توان کرد) - که مصدر مرخم است - درین عبارت : « چه توان کرد ، مرا روزی نبود و ماه را همچنان روزی (یک روز) مانده بود. / سعدی »

وجه وصفی و آن بدین معنی است، که فعل به صورت اسم مفعول بیان گردد؛ مانند : بهرام به خانه آمده ، فرخنده به سینما رفت. که (آمده) وجه وصفیست.

نکته در موردی که وجه وصفی استعمال میشود، دیگر استعمال حرف (واو) به هیچ وجه جایز نیست؛ مانند : بهرام به خانه آمده و فرخنده به سینما رفت، که این جمله کاملاً غلط است . باید جمله را با حذف (واو) گفت و نوشت.

وجه اخباری : و آن شکلی از فعل است، که انجام عمل حتمی را بیان میدارد ؛ مانند : پرویز می آید ، بهرام کتاب خواند، که (می آید) و (خواند) وجه اخباریست .

وجه التزامی : که انجام عملی را به طریق شک و تردید بیان میکند، و معمولاً با کلماتی از قبیل (شاید) و (ممکنست) همراه است؛ مانند : شاید پرویز بیاید ، ممکنست آمده باشد ، که (بیاید) و (آمده باشد) را وجه التزامی مینامند.

وجه امری : و آن صورتی از فعل است، که آمر، انجام عملی را به مأمور دستور میدهد، و گاهی نیز برای بیان تقاضا به کار میرود ؛ مانند :

[برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم حیف آن عمر که در پای تو من سر کردم]

که درین بیت به (رفتن) امر شده است] ؛ اما کلمه (باز آی) در بیت زیر، در بیان تقاضاست.

باز آی که باز آید ، عمر شده حافظ هر چند که ناید باز تیری که بشد از شست (حافظ)

که (باز آی) فعل امر است ؛ منتهی آمدن را از محبوب تقاضا میکند، نه امر. به هر حال، اعم ازین که در بیان دستور ، یا تقاضا و حتی التماس به کار رود ، فعل را امر گویند.

مطابقت فعل با فاعل : هر گاه فاعل ذی (صاحب) روح (جاندار) باشد ، از حیث جمع یا مفرد بودن ، با فعل مطابقت میکند، [یعنی: اگر فاعل مفرد باشد، فعل هم مفرد، و اگر فاعل جمع باشد فعل هم به صورت جمع می آید] ؛ مانند :

مفرد - پروین سرود خواند پرنده پرید

جمع - پروین و پرپیچهر سرود خواندند پرندگان پریدند

اما اگر فاعل ذیروح نباشد، یا از اسمای جمع باشد، مطابقت و عدم مطابقت هر دو جایز است؛ مانند :

مفرد - [رمه رفت] برگها افتاد

جمع - [رمه رفتند] برگها افتادند

چنانچه ملاحظه میشود، ذوق سلیم (برگها افتاد یا برگها ریخت) و (رمه رفت) را بهتر از (برگها افتادند یا برگها ریختند) و (رمه رفتند) میداند .

انواع فعل (از نظر زمان)

نوع فعل	نگرش ساخت	صرف از مصدر نوشتن					
		اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع	دوم شخص جمع	سوم شخص جمع
ماضی ساده	بن ماضی + شناسه	نوشتم	نوشتی	نوشت	نوشتیم	نوشتید	نوشتند
ماضی استمراری	می + بن ماضی + شناسه	می نوشتم	می نوشتی	می نوشت	می نوشتیم	می نوشتید	می نوشتند
ماضی نقلی	صفت مفعولی + ام ای است ایم اید اند	نوشته ام	نوشته ای	نوشته است	نوشته ایم	نوشته اید	نوشته اند
ماضی بعید	صفت مفعولی + بودم بودی بود + بودم بودید بودند	نوشته بودم	نوشته بودی	نوشته بود	نوشته بودیم	نوشته بودید	نوشته بودند
ماضی التزامی	صفت مفعولی + باشم باشی باش + باشم باشید باشند	نوشته باشم	نوشته باشی	نوشته باش	نوشته باشیم	نوشته باشید	نوشته باشند
مضارع اخباری	می + بن مضارع + شناسه	می نویسم	می نویسی	می نویسد	می نویسیم	می نویسید	می نویسند
مضارع التزامی	ب + بن مضارع + شناسه	بنویسم	بنویسی	بنویسد	بنویسیم	بنویسید	بنویسند
خواه	خواه + بن ماضی	خواهم نوشتن	خواهی نوشتن	خواهد نوشتن	خواهیم نوشتن	خواهید نوشتن	خواهند نوشتن

جدول (۴) : ساختار افعال زبان فارسی

زمان فعل	ساختار
ماضی ساده	بن ماضی + شناسه های ماضی
ماضی استمراری	می + ماضی ساده
ماضی بعید	صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + بود + شناسه های ماضی
ماضی نقلی	صفت مفعولی + ام ای است ایم اید اند
ماضی نقلی مستمر	می + ماضی نقلی
ماضی التزامی	صفت مفعولی + باش + شناسه های مضارع
ماضی مستمر	داشت + شناسه های ماضی + ماضی استمراری
ماضی ابعاد	صفت مفعولی + بود + ه + ام ای است ایم اید اند
مضارع اخباری	می + بن مضارع + شناسه های مضارع
مضارع التزامی	ب + بن مضارع + شناسه های مضارع
مضارع مستمر	دار + شناسه های مضارع + مضارع اخباری

جمله: انسان همیشه مقصود خود را به صورت جمله بیان می کند.

جمله، یک یا مجموع چند کلمه است که بر روی هم پیام کاملی را از گوینده به شنونده برساند. هر جا که جمله تمام شود، نقطه ای می گذاریم.

مثال: ابوعلی سینا از بزرگترین دانشمندان ایران است.

هیچکس به دلیل رنگ و نژاد بر دیگری برتری ندارد.

انواع جمله: جمله ای که خبری را بیان میکند **جمله خبری** نامیده میشود.

مثال: فردا سالگرد پیروزی مردم نیکاراگوئه است.

جمله ای که در آن پرسشی باشد **جمله پرسشی** نامیده میشود.

مثال: فردا چه روزی است؟

جمله ای که در آن فرمانی داده شده است **جمله امری** خوانده میشود.

مثال: همه در جای خود بایستند.

جمله ای که عاطفه ای را به همراه داشته باشد **جمله عاطفی** یا تعجبی نامیده می شود.

مثال: چه باغ باصفایی!

ساختمان جمله جمله، نهاد، گزاره: هر جمله به دو قسمت تقسیم می شود:

قسمت اول، که درباره آن خبری می دهیم که به آن نهاد می گوییم.

قسمت دوم ، خبری است که درباره قسمت اول می گوییم و آن را نهاد می نامیم.

مثال: کوروش **بابل را فتح کرد** .

کوروش=نهاد **بابل را فتح کرد** =گزاره

نهاد . فاعل:

گفتیم نهاد قسمتی از جمله است که درباره آن خبر میدهیم و گزاره خبری است که درباره نهاد می دهیم.

حال می گوییم: خبری که درباره نهاد می دهیم بیان یکی از این چهار حالت است.

۱. انجام دادن یا انجام دادن عملی، مانند: خوردن، شکستن، پختن

۲. پذیرفتن عملی، مانند خورده شدن، شکسته شدن، پخته شدن

۳. داشتن صفتی، مانند دانا بودن، سفید بودن، گرم بودن

۴. پذیرفتن صفتی، مانند دانا شدن، گرم شدن، بیمار شدن

در حالت اول کلمه ای که نهاد قرار بگیرد کننده کار هم هست

مثلا اگر «اکبر» نهاد قرار بگیرد انجام دهنده عمل خوردن هم هست. «اکبر چای را خورد»

در حالت دوم کلمه ای که نهاد قرار بگیرد پذیرنده کار است. مثلا «آش پخته شد»

در حالت سوم کلمه ای که نهاد قرار بگیرد پذیرنده صفت است مثلا «هوشنگ بیمار شد»

به این جمله توجه کنید: سعدی گلستان را نوشت

در این جمله، نهاد، یعنی قسمتی از جمله درباره آن خبری داده ایم کلمه «سعدی» است. فعلی که در گزاره آمده، کاری است که از سعدی سرزده است. یعنی عمل «نوشتن گلستان» را سعدی انجام داده است. پس او کننده کار است، در دستور زبان به کننده کار، فاعل می گوئیم، پس:

«فاعل کلمه ای است که انجام دادن کاری را به آن نسبت دهیم»

اسم: در جمله جواد به سرعت آمد جواد، نهاد است، زیرا درباره او خبری می دهیم، این کلمه فاعل هم هست زیرا انجام دهنده

عمل آمدن است، کلمه جواد اگر در جمله دیگری قرار بگیرد ممکن است نهاد یا فاعل نباشد. مثلا در جمله دیگری قرار بگیرد ممکن است نهاد یا فاعل نباشد، مثلا در جمله کتاب جواد را آوردم. اما اگر کلمه جواد را به تنهایی در نظر بگیریم، متوجه می شویم که این کلمه نام کسی است از این جهت کلمه جواد اسم است.

در جمله گاو شیر می دهد کلمه گاو علاوه بر اینکه نهاد جمله و فاعل آن است، چون بر حیوانی نیز دلالت میکند، پس

اسم هم هست. پس اسم کلمه ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی بکار میرود.

چیزی که به وسیله اسم نام برده می شود:

گاهی شخصی است. مانند مرد، زن، حسن، هوشنگ

گاهی حیوانی است. مانند خرگوش، گاو، اسب، پلنگ

گاهی مکانی است. مانند کوه، دشت، رود، تهران، پاریس

گاهی گیاهی است. مانند درخت، چمن، بید، سرو

گاهی نام ستارگان است. مانند ماه، خورشید، زهره، عطارد

گاهی نام اشیاء است. مانند صندلی، کاغذ، میز، مداد، تخته

گاهی نام حالتی است که در کسی یا چیزی وجود دارد مانند سفیدی، سرما، گرما، رنج، شادی

ویژگیهای اسم : عام و خاص گاهی اسم تنها بر یک فرد معین دلالت می کند، وقتی که می گوییم فرهاد آمد مقصود ما یک شخص معین است و یا

در جمله مشهد از شهرهای مذهبی ایران است کلمه

مشهد و ایران به یک شهر و کشور معین دلالت می کند،

اما وقتی می گوییم گربه دشمن موش است مقصود تنها گربه خانه خودمان نیست بلکه به هر گربه ای دلالت می کند.

اگر با اسم تنها یک فرد معین را بتوانیم نام ببریم به آن اسم خاص می گوییم اما اگر بتوانیم اسم را نوعی به کار ببریم که شامل افراد متعدد باشد آن را اسم عام می نامیم، پس اسم خاص کلمه ای است که برای نام بردن یک کس معین یا یک چیز معین بکار میرود و اسم عام به کلمه ای می گوییم که با آن کسان یا چیزهای هم نوع را می توان نام برد.

ممکن است یک اسم خاص برای نامگذاری چندین کس یا چیز بکار میرود. فاطمه اسم خاص است، اما هزاران نفر ممکن است فاطمه نام داشته باشند، باید بدانیم که هر بار اسم خاصی مانند فاطمه را در گفتار و یا نوشتار به کار می بریم

منظور ما فرد معینی است نه اینکه همه خانمهایی که نام آنها فاطمه است.

ذات . معنی

گاهی چیزی که نام برده می شود خود به خود وجود دارد، مانند دیوار، کتاب. اما گاهی وجود آن چیز مستقل نیست

بلکه وابسته به چیز دیگری است یا در چیز دیگری وجود دارد

مانند: سرخی، سرخی به تنهایی وجود ندارد و در چیزهای دیگر می شود او را دید مثل گل ، پارچه، ...

به چیزی که به خودی خود وجود داشته باشد اسم ذات و به اسمی که بر مفهومی دلالت می کند که وجودش در چیز دیگری است و نام حالتی یا صفتی است اسم معنی می گوییم.

مفرد . جمع

گاهی اسم برای نام بردن یک شخص یا یک چیز است در این حال مفرد است. در جمله های مرد آمد، چراغ روشن شد،

درخت سایه دارد، اسم های مرد، چراغ و درخت مفرد هستند.

اما گاهی به وسیله اسم، چند شخص یا چند چیز را نام می بریم در جمله های مردان آمدند، چراغها روشن شدند، درختان سایه دارند، اسم های مردان، چراغها و درختان، جمع هستند چون بیشتر از یک شخص یا چیز دلالت می کنند. اسم جمع علامتی دارد که در پایان آن می آید، علامت جمع اسم در فارسی ان و ها می باشد.

ضمیر : گاهی به جای آنکه کسی یا چیزی را نام ببریم ، یعنی اسم او را بگوییم ، کلمه دیگری می آوریم که جای اسم را می گیرد ، مثلا به جای آنکه بگوییم .

پرویز را دیدم و به پرویز گفتم می گوئیم پرویز را دیدم و به او گفتم

اینجا این کلمه او جای اسم پرویز را گرفته است، این گونه کلمات را که جانشین اسم می شوند « ضمیر » و چون جانشین اسم شخص هستند ضمیر شخصی نامیده می شوند .

ضمایر شخصی برای اول شخص من و ما هستند . ضمایر شخصی برای دوم شخص تو و شما هستند . ضمایر شخصی برای سوم شخص او و ایشان هستند . گاهی به جای او ضمیر سوم شخص مفرد وی می آید.

ضمیر اشاره : به کلماتی که با آنها چیزی یا کسی را نشان می دهیم ضمیر اشاره می گوئیم، مثلا اگر از کسی بخواهیم که کتابی را بردارد کتاب نزدیک باشد به جای جمله کتاب را بردار می گوئیم این را بردار

کلمه این ضمیر اشاره است و به جای اسم کتاب نشسته است . اما اگر کتاب دور باشد می گوئیم آن را بردار. ضمیر اشاره نیز مانند اسم می تواند جمع بسته شود : آنان، اینان، آنها، اینها، .

مفعول : فاعل کسی است که فعل را انجام می دهد و گاهی واقع شدن فعل به فاعل تمام می شود . یعنی اثر آن به دیگری نمی رسد، در جمله هوشنگ نشست هوشنگ فاعل است، زیرا فعل نشستن را انجام داده است و پای شخص دیگری در میان نیست، اما اگر بگوییم رستم کشت جمله کامل نیست زیرا فعل کشتن به فاعل که رستم است تمام نمی شود و پای کسی دیگر در میان است و شنونده جمله به سرعت خواهد پرسید چه کسی را کشت گاهی فعل از فاعل فراتر می رود و بر روی کسی یا چیز دیگری اثر می گذارد که آنرا مفعول می نامیم مثلا در جمله رستم پهلوان سهراب کشت کلمه سهراب مفعول است .

صفت : گاهی اسمی که در جمله فاعل یا مفعول واقع می شود تنها نیست بلکه برای آنکه شنونده آنرا بهتر بشناسد درباره آن توضیح می دهیم یعنی یکی از حالتها یا صفتهای او را نیز بیان می کنیم، مثلا اگر کسی بگوید: من برادر خود را دوست دارم معنی کلمه برادر در صورتی واضح است که گوینده یک برادر داشته باشد، برای اینکه شنونده متوجه شود که منظور کدام برادر گوینده است مثلا خواهد گفت من برادر بزرگترم را دوست دارم کلمه بزرگ در این جا به مفهوم اسم برادر افزوده شده است، این کلمه که حالت یا چگونگی اسم را بیان می کند صفت خوانده می شود یعنی وصف شده .

قید : به این چند جمله توجه کنید :

فریدون زود آمد فریدون شتابان آمد فریدون سرافکنده آمد فریدون نوامیدانه آمد فریدون آهسته آمد

فعلی که در همه این جمله ها بکار رفته آمدن است اما چگونگی انجام گرفتن این فعل در جمله های مذکور با هم متفاوت است این تفاوتها با کلمه یا عبارتی بیان می شود که آن را قید می خوانیم

پس جمله های مذکور کلمه های زود، شتابان، خندان، سرافکنده، نوامیدانه و آهسته قید هستند .

همچنانکه صفت برای بیان حالت یا چگونگی اسم می آید و وابسته اسم است، قید چگونگی روی دادن فعل را بیان می کند و به فعل وابسته است.

نمونه ی سؤال ادبیات فارسی پایه ی هشتم

۱- واژه ی « دیار » در کدام یک از معانی زیر به کار می رود؟

الف) سرزمین (ب) خانه ها (ج) شهرها (د) همه ی موارد

۲- معنی واژه « گیتی » چیست؟

الف) روزگار (ب) زمان (ج) دنیا (د) آسمان

۳- واژه ی « خلیل » به چه معناست؟

الف) بزرگ (ب) پیامبر (ج) دوست خالص (د) برگزیده

۴- املا ی کدام کلمه با توجه به معنی آن صحیح است؟

الف) حسرت : افسوس (ب) زکات : نیز هوشی

ج) استرلاب : وسیله ی ستاره شناسی در قدیم (د) سدر اعظم : نخست وزیر

۵- در جمله ی زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

« محمد تقی سر انجام توانست با تلاش و پشتکار فراوان به مقام والایی برسد و لقب امیر کبیر بیابد و منشأ خدمات فراوانی برای کشور عزیزش ایران باشد . »

الف) یک غلط (ب) دو غلط (ج) سه غلط (د) غلط وجود ندارد

۶- روایت " مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ " با کدام مهارت زندگی ارتباط دارد؟

الف) تفکر خلاق (ب) خود آگاهی (ج) تصمیم گیری (د) ارتباط مؤثر

۷- کدام گزینه با بقیه فرق دارد؟

الف) استقلال- وابستگی (ب) دوست-دشمن (ج) حلاوت - شیرینی (د) جدا- پیوسته

۸- در بیت « از ظلمت خود رهایی ام ده با نور خود آشنایی ام ده » قافیه کدام است؟

الف) رهایی ، آشنایی (ب) خود ، خود (ج) رهایی ام ده ، آشنایی ام ده (د) ده ، ده

۹- کدام گزینه با بقیه هم خانواده ی نیست؟

الف) رحمانیت (ب) تحریم (ج) حرمت (د) حریم

۱۰- شعری است که : شاعر قصد " توصیف طبیعت و یا مدح و ستایش کسی یا چیزی " را دارد.

الف) قطعه (ب) مثنوی (ج) قصیده (د) غزل

۱۱- در کدام گزینه « مخفف » بیش تری به کار رفته است؟

الف) گهی اسرارقرآن بازگوید (ب) گه از قول پیمیر رازگوید

ب) مسلم اول شه مردان علی است (ج) عشق را سرمایه ی ایمان علی است

ج) ز دانشور سخن باور توان کرد (د) که نادان هر چه گوید باوری نیست

د) خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش

۱۲- مفرد واژه ی « حکما » کدام است؟

الف) حکیم (ب) حاکم (ج) حکم (د) حکومت

۱۳- به کدام یک از کلمات زیر به هنگام پذیرفتن واژه ی دیگر (ی) اضافه نمی شود؟

الف) راهرو (ب) صندلی (ج) دیده (د) پوریا

۱۴- اگر بیت « تو را دین و دانش رهاند دُرست در رستگاری ببايدت جُست » دومین بیت از یک شعر باشد قالب شعر کدام است؟

الف) غزل (ب) مثنوی (ج) قطعه (د) قصیده

۱۵- مهم ترین جزء گزاره است.

الف) مفعول (ب) متمم (ج) فعل (د) مسند

۱۶- در بیت داده شده کدام کلمات نقش (متمم) دارند؟ « شکر گویم که مرا خوار نساخت

»

الف) مرا ، خسی (ب) تو ، مرا (ج) خسی ، گرفتار (د) خسی ، تو

۱۷- معنی کدام واژه نادرست است؟

الف) تاب : تحمل (ب) خطبه : سخنرانی (ج) لیاقت : شایستگی (د) اعیان : آشکار

۱۸- کدام بیت با جمله ی « هر که در حال توانایی نیکویی نکند / در وقت ناتوانی سختی ببند » قرابت معنایی دارد؟

الف) ز دانشور سخن باور توان کرد که نادان هر چه گوید باوری نیست

ب) به راه دانش ای مرد خردمند زیانی برتر از تن پروری نیست

ج) ای که دستت می رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

د) توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

۱۹- در بیت « گهر بی هنر زار و خوار است و سست / به فرهنگ باشد روان تندرست » منظور از " گهر و فرهنگ " چیست؟

الف) مروارید - دانش و ادب (ب) اصل و نژاد - علم و دانش (ج) مروارید - دانش نامه (د) اصل و تبار - ظرفیت

۲۰- املاي کدام واژه صحیح نیست؟

الف) تسبیه (ب) خاربن (ج) غلبه (د) لهجه

۲۱- میان واژه های « سبا و صبا » چه ارتباطی وجود دارد ؟

الف) هم معنی و مترادف (ب) تضاد و طباق (ج) هم آوایی و متشابه (د) هم ریشه و هم خانواده

۲۲- کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

الف) فصول (ب) اصول (ج) روابط (د) قصور

۲۳- در کدام مصراع آرایه ی « تلمیح » وجود دارد؟

الف) با ادب باش که اندر همه جا یابی راه (ب) در قیامت نشود روی سفید تو سیاه

ج) همچو یوسف به سر تخت برآیی از چاه (د) آیه آیه همه جا سوره ی قرآن ادب است

۲۴- در بیت " عزت از خواری نشناخته ای / عمر در خارکشی باخته ای " چه آرایه ای به کار رفته است؟

الف) تشبیه (ب) تضاد (ج) تشخیص (د) سجع

۲۵- خلاصه و فشرده ی خواسته ها و آرمان ها ی يك گروه را می گویند.

الف) شعار (ب) ضرب المثل (ج) کلمات قصار (د) امثال و حکم

۲۶- شعری است که شاعر قصد توصیف طبیعت و یا مدح و ستایش کسی یا چیزی را دارد.

الف) قطعه (ب) قصیده (ج) مثنوی (د) غزل

۲۷- هر جمله از دو بخش و ساخته می شود.

الف) نهاد ، فعل (ب) فعل ، فاعل (ج) فعل ، مفعول (د) نهاد ، گزاره

۲۸- « ان » در پایان کدام گروه از واژه های زیر علامت جمع محسوب می شوند ؟

الف) صبحگاهان ، خندان ، گیلان (ب) آسمان ، ایران ، مهربان (ج) ستارگان ، برادران ، آنان (د) خزان ، گرگان ، پرندگان

۲۹- کدام گزینه به ترتیب زمان فعل های (ماضی استمراری ، مضارع التزامی و مضارع اخباری) را نشان می دهد؟

الف) دیده ام ، می خوانی ، بروید (ب) می خواندند ، بنویسید ، می شنود

ج) می ریزم ، می آبی ، خوانده باشد (د) می شکند ، خواهم شنید ، می سازیم

۳۰- کدام گزینه از آثار جامی نیست؟

الف) هفت اورنگ (ب) منشآت (ج) بهارستان (د) نفحات الانس

۳۱- کلمه هایی مانند « مسلم و مسلم » از چه نظر با هم یکسانند؟

الف) تلفظ (ب) شکل نوشتاری (ج) معنا (د) کاربرد

۳۲- به شیوه ای که در آن شاعر یا نویسنده از آیات و روایات و ... استفاده می کند چه می گویند؟

الف) تشخیص (ب) تشبیه (ج) تلمیح (د) مراعات نظیر (شبکه معنایی)

۳۳- کدام گزینه در مورد « شاه بیت » صحیح است؟

الف) به بهترین بیت در غزل گفته می شود. (ب) به بهترین بیت هر شعری گفته می شود.

ج) به بهترین بیت همه شعرها به جز غزل گفته می شود (د) به بهترین بیت غزل و قصیده گفته می شود

۳۴- کدام زوج واژه ی زیر جمع مکسر است؟

الف) اصحاب ، مشاغل (ب) اجداد ، کتاب ها (ج) علوم ، تقریرات (د) مناظر ، رفیقان

۳۵- (ادبا و علما) به ترتیب جمع مکسر کدام کلمه های مفرد زیر است؟

الف) ادب ، عالم (ب) ادیب ، علم (ج) ادیب ، عالم (د) ادب ، علم

۳۶- کدام دسته از کلمه ها ، نشانه ی جمع ندارند ولی مفهوم جمع دارند؟

الف) گروه ، کتاب ها (ب) ملت ، باغات (ج) لشکر ، ملت (د) درختان ، مردم

۳۷- کدام دسته از کلمه ها ، نشانه ی جمع دارند، ولی مفهوم جمع نمی دهند؟

الف) گرگان ، بامدادان (ب) شامگاهان ، نیاکان (ج) گیلان ، خندان (د) سحرگاهان ، کوهان

۳۸- کدام دسته از کلمه های زیر « متضاد » هستند؟

- الف) کافر و مسلمان (ب) حدیث و روایت (ج) غم و تعب (د) علم و معرفت
 ۳۹- به قالب شعری گفته می شود که هربیتش قافیه ای جداگانه دارد :
 الف) غزل (ب) قصیده (ج) مثنوی (د) قطعه
 ۴۰- حسرت بعضی بزرگ ترها ، به دلیل کدام مورد می باشد؟
 الف) نداشتن تجربه (ب) از دست دادن فرصت ها (ج) قدر جوانی را دانستن (د) آینده نگری
 ۴۱- کدام مورد بیانگر « تصمیم گیری مناسب در زندگی » است؟
 الف) ارتباط سنجیده با دیگران (ب) مهار احساسات گوناگون (ج) اتخاذ تدبیر مناسب (د) کشف نوآوری

۴۲- زندگی کردن به کدام مورد بیشتر نیاز دارد؟

- الف) یادگیری اصول و روش ها (ب) یادگیری تأمین درآمد بیش تر
 ج) یادگیری تنها امور معنوی (د) یادگیری عادت های خاص

۴۳- خودآگاهی همان:

- الف) شناخت توانایی هاست (ب) شناخت نیازها و استعدادهاست
 ج) شناخت ضعف های خود است (د) همه ی موارد

۴۴- در عبارت « زندگی یک سفر است » چه آرایه ای وجود دارد ؟

- الف) تضاد یا طباق (ب) تشخیص (ج) کلمات قصار (د) تشبیه
 ۴۵- در عبارت « ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است » چه آرایه ی ادبی وجود دارد ؟
 الف) تشبیه (ب) کنایه و امثال حکم (ج) جناس (د) تلمیح
 ۴۶- در کدام گزینه آرایه های « تلمیح و کنایه » وجود دارد ؟

- الف) خویش را می کند از جهل و شقاوت معدوم (ب) از احادیث و روایات به ما شد معلوم
 ج) همچو یوسف به سر تخت برآیی از چاه (د) فرق ما بین بنی آدم و حیوان ادب است
 ۴۷- کتاب منشآت از کیست ؟

- الف) سعدی (ب) قائم مقام (ج) نظامی (د) قائنی

۴۸- معنی واژه ی «نژد» در کدام گزینه نیامده است؟

- الف) غمگین (ب) سرد و بی روح (ج) ناراحت (د) ناکام

۴۹- در گروه ترکیب های زیر چند غلط املائی وجود دارد ؟

(سختی و مشقت ، عاطفه و انسانیت ، منحصر و محدود ، تجدید حیات ، مسطور و پوشیده ، آداب خاصی)

- الف) یک (ب) دو (ج) سه (د) غلط املائی ندارد

۵۰-.....از شاعران دوره ی قاجار است . هنر او در قصیده سرایی و توصیف های نیکوست . کتاب پریشان را به شیوه ی گلستان سعدی نوشته است .»

- الف) وصال شیرازی (ب) ایرج میرزا (ج) قائنی شیرازی (د) صائب تبریزی

۵۱- کدام گزینه با بقیه هم خانواده نیست

- الف) حصاری (ب) صحرایی (ج) منحصر (د) محصور

۵۲- کدام آرایه ی ادبی در بیت مقابل وجود دارد ؟ حیف است طایری چو تو در خاکدان غم زین جا به آشیان وفا می فرستمت

- الف) تشبیه (ب) سجع (ج) تشخیص (د) تضمین

۵۳- معنی کدام گزینه نادرست است ؟ الف) خیل : گروه (ب) عرصه : ارائه (ج) زیور : زینت (د) رونق : رواج

۵۴- کدام آرایه ادبی در عبارت به کار نرفته است ؟ چون قلم و کاغذ برای نوشتن نداشت ، شنیده ها را بر کاغذ ذهن می نوشت

- الف) تشبیه (ب) مراعات نظیر (ج) تضاد (د) واج آرایه

۵۵- املائی کدام واژه صحیح نیست؟

- الف) ارسه (ب) خفقان (ج) طراوت (د) باطن

۵۶- عبارت زیر با کدام گزینه قرابت معنایی (نزدیکی مفهوم) دارد؟

« هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است مگر آن کسی که چون دیگری در سخن باشد هم چنان تمام ناگفته سخن آغاز کند. »

الف) آن تهی مغز را چه علم و خبر (ب) تا مرد سخن نگفته باشد

که بر او هیزم است یا دفتر (ب) نادان هر چه گوید باوری نیست

عیب و هنرش نهفته باشد (د) سخن را سر است ای خردمند و بن

میاور سخن در میان سخن (ج) طراوت (د) باطن

۵۷- حدیث " الله جمیل و یحب الجمال " با کدام مصراع ارتباط دارد؟

الف) هر نوع کند نقش و خود از نقش منزّه (ب) هر جنس کند جفت و خود از جفت مبرّا

ج) چه زشت و چه زیبا همه نقش قلم اوست (د) نی نی نکند زشت نگارنده ی زیبا

۵۸- مفرد واژه « طلاب » کدام است؟

- الف) طلب (ب) طلبه (ج) طالب (د) مطلوب

- ۵۹- کدام یک از زوج واژه های زیر « مترادف » یکدیگر هستند ؟
 الف (انیس ، کتاب) ب (نگارنده ، زیبا) ج (تند ، سریع) د (رشادت ، شهادت)
- ۶۰- معادل فارسی کدام گزینه ، نادرست است ؟
 الف (اس ام اس : پیامک) ب (سایت : پایگاه) ج (کوپن : کالا برگ) د (ایمیل : رایانه)
- ۶۱- به بهترین بیت در شعر و در غزل می گویند.
 الف (شاه بیت ، بیت الغزل) ب (بیت الغزل ، شاه بیت) ج (شاه بیت ، شاه بیت) د (بیت الغزل ، بیت الغزل)
- ۶۲- در بیت « نکو سیرت و مهربانیم ما هواخواه درماندگانیم ما » « ردیف و قافیه به ترتیب کدام است ؟
 الف (ما ، ما - مهربانیم ، درماندگانیم) ب (مهربانیم ، درماندگانیم - ما ، ما) ج (نکو سیرت ، هواخواه - مهربانیم ، درماندگانیم) د (نکو سیرت ، هواخواه - ما ، ما)
- ۶۳- در کدام مصراع آرایه ی « تلمیح » وجود دارد ؟
 الف (با ادب باش که اندر همه جا یابی راه) ب (در قیامت نشود روی سفید تو سیاه) ج (همچو یوسف به سر تخت برایی از چاه) د (آیه آیه همه جا سوره ی قرآن ادب است)
- ۶۴- شناسه ی فعل های « می دیدم - می روید » به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟
 الف (می دید - می رو) ب (دید - رو) ج (می - می) د (م - ید)
- ۶۵- کدام اثر از نظامی گنجوی نمی باشد ؟
 الف (شیرین و فرهاد) ب (خسرو و شیرین) ج (لیلی و مجنون) د (هفت پیکر)
- ۶۶- املاي کدام گزینه صحیح است ؟
 الف (مهتوا) ب (اجتماعي) ج (استثنا) د (احتزاز)
- ۶۹- کدام گزینه ، ساختاری متفاوت دارد ؟
 الف (بیزار) ب (علفزار) ج (چمنزار) د (گندم زار)
- ۷۰- کدام یک از گزینه های زیر از ویژگی های « انقلاب اسلامی » نمی باشد ؟
 الف (خدا محوری و دین باوری) ب (حکومتی استبدادی و شاهنشاهی) ج (رهبری بر اصل ولایت فقیه) د (وحدت و یک پارچگی)
- ۷۱- فرهنگستان کدام واژه را معادل فارسی «ایمیل» قرار داده است ؟
 الف (نشانی) ب (پیام کوتاه) ج (نامه الکترونیکی) د (نامبر)
- ۷۲- در جمله ی تشبیهی « علی مانند شیر شجاع است » ؛ وجه شبه کدام است ؟
 الف (علی) ب (مانند) ج (شیر) د (شجاع)
- ۷۳- کدام گزینه با بقیه متفاوت است ؟
 الف (اعتقاد- عقیده) ب (اوصیا- وصی) ج (انمه- امام) د (مظاهر- مظهر)
- ۷۴- خلاصه و فشرده ی خواسته ها و آرمان ها ی يك گروه را می گویند.
 الف (کلمات قصار) ب (شعار) ج (ضرب المثل) د (امثال و حکم)
- ۷۵- به شیوه ای که در آن شاعر یا نویسنده از آیات و روایات و ... استفاده می کند ، چه می گویند ؟
 الف (تشخیص) ب (تشبیه) ج (تلمیح) د (مراعات نظیر)
- ۷۶- مفهوم بیت : « سر پادشاهان گردن فراز / به درگاه تو بر زمین نیاز » از کدام گزینه دریافت می شود ؟
 الف (ارجمند گرداننده ی بندگان از خواری) ب (هست کننده از نیستی و نیست کننده پس از هستی) ج (بلندی و برتری از درگاه او جوی و بس) د (دریای افکننده ی گردن کشان از سروری)
- ۷۷- شعری است که : « هر بیتش قافیه ای جداگانه دارد و برای سرودن داستان مناسب است » .
 الف (مثنوی) ب (قطعه) ج (قصیده) د (غزل)
- ۷۸- در کدام گزینه علامت جمع دیده می شود ؟
 الف (صبحگاهان) ب (مازندران) ج (بینندگان) د (کشتیبان)
- ۷۹- در کدام گزینه واژه ی « قرضی » دیده است ؟
 الف (موقوفه) ب (کیکاوس) ج (ماندگار) د (فوتبال)
- ۸۰- کدام گزینه به ترتیب زمان فعل های « مستقبل ، مضارع و ماضی » را نشان می دهد ؟
 الف (ریخته بود ، خواهم خواند ، می خوانی) ب (ریخته بود ، می خوانی ، خواهم خواند) ج (خواهم خواند ، می خوانی ، ریخته بود) د (خواهم خواند ، ریخته بود ، می خوانی)
- ۸۱- کتاب های « هفت پیکر و مخزن الاسرار » از آثار کدام شخصیت است ؟
 الف (فدایی مازندرانی) ب (خواجه رشیدالدین فضل الله ج) د (نظامی گنجوی)
- ۸۲- مفرد واژه ی « علما » کدام است ؟
 الف (علیم) ب (عمل) ج (عالم) د (علم)

۸۳- از متن زیر کدام گزینه استنباط می شود ؟

« تا هنگامی که یاور و پشتیبان هم باشید، دشمن نمی تواند بر شما چیره شود و سالیان دراز می توانید پیروز و ظفرمند به سر برید. »
 الف (هم دلی و وحدت) ب (تحمل سختی ها) ج (هم دردی و شجاعت) د (زیرکی و تدبیر)

۸۴- بیت "سخن را سر است ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن" به چه نکته ای اشاره دارد؟
الف) سکوت (ب) بین صحبت کسی حرف نزن (ج) کم حرفی (د) میانه روی در صحبت

۸۵- نهاد جمله ی زیر در کدام گزینه آمده است؟
« قلمرو ایران چندان وسیع و گسترده دامن است که به یک سر تابستان است و دگر سو زمستان. »
الف) تابستان (ب) زمستان (ج) قلمرو ایران (د) گسترده دامن
۸۶- کدام یک از جفت واژه ها ی زیر مترادف نیستند؟
الف) جنگ و ستیز (ب) سخته و سنجیده (ج) چکیده و عصاره (د) نجیب و با ادب
۸۷- در کدام گزینه تمام کلمات جمع مکسر هستند؟
الف) پلنگان، اسرار، مدارس (ب) صبور، ایام، آدمیان (ج) قرون، مظاهر، رُسُل (د) قافله، قوم، مسائل
۸۸- غلط املائی کدام گزینه بیش تر است؟
الف) ایرانیان مردمانی نرم خو و انعطاف پذیر و پر آزرَم هستند. (ب) قالب خانه های ایران یک طبعه است.
(ج) ایرانیان موغر و متین می نشینند. (د) فواصل میان قطعات باغ مسطور از اقسام گل است.

۸۹- به آن چه سود وفایده اش عمومی و همگانی باشد می گویند .
الف) منفعت (ب) سهامی خاص (ج) عام المنفعه (د) بیت المال

۹۰- مفرد کدام واژه گزینه نادرست است ؟
الف) عناوین ، عنوان (ب) اولیا ، ولی (ج) اوصیا ، وصیت (د) القاب ، لقب

۹۱- معنی کدام واژه ها نادرست است ؟
الف) حی : زنده (ب) هدی : امید دادن (ج) صانع : آفریننده (د) اهریمن : شیاطین

۹۲- درجمله ی « کتاب همچو غنچه ای پرازبرگ است » ؛ رکن اول تشبیه کدام است؟
الف) کتاب (ب) همچو (ج) غنچه (د) پرازبرگ
۹۲ در کدام گزینه همه واژه های به کاررفته هم خانواده نیست ؟
الف) معتقد، اعتقاد، عقاید (ب) حریم، رحمان ، حرمت (ج) اظهار، مظاهر، ظاهر (د) متکلم، کلام، کلمه

۹۳- املا ی کدام گزینه صحیح است ؟
الف) برخواست (ب) لجه (ج) التماس (د) ابلاق
۹۴- « قند در دل کسی آب کردن » کنایه از چیست؟
الف) ترساندن (ب) شیرین زبانی (ج) ناراحتی (د) خوشحالی
۹۵- مفرد واژه ی « مظاهر » چیست؟
الف) مظهر (ب) ظاهر (ج) ظهر (د) ظهور
۹۶- کدام گزینه با واژه ی « معلوم » هم خانواده نیست؟
الف) تعلیم (ب) معمولاً (ج) معلّم (د) علیم
۹۷- در مصراع « در جهان مثل گهر تابنده ام » چه آرایه ای به کار رفته است؟
الف) توصیف (ب) سجع (ج) تشخیص (د) تشبیه

۹۸- کدام مصراع زیر دارای آرایه ی « تلمیح » است؟
الف) عشق با دشوار ورزیدن خوش است (ب) چون خلیل از شعله گل چیدن خوش است
(ج) در جهان نتوان اگر مردانه زیست (د) همچو مردان جان سپردن زندگی است
۹۹- کدام گزینه با بقیه متفاوت است ؟

الف) رموز- رمز (ب) اسما- اسم (ج) حکومت- حکمت (د) اصول- اصل
۹۱- مفهوم جمله ی « نادان را به از خموشی نیست » در کدام گزینه آمده است؟
الف) خاموشی بهتر از نادانی است (ب) نادان بهتر است فایده ی کم حرفی را بداند (ج) بهترین کار برای نادان صحبت نکردن است (د) بهتر از خاموشی چیزی وجود ندارد

۹۲- در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟
الف) علم از بحر دین پروردن است (ب) هرگز کسی به جهل خود اقرار نکرده است
(ج) با اربعین حسینی مصادف بود (د) برای اعتراض به حکومت ظالم و فاسد
۹۳- در این بیت « صبح صادق ، قدرت کاذب شکست / رشته های دام اهریمن گسست » منظور از " صبح صادق " چیست؟
الف) روشنایی روز (ب) طلوع خورشید (ج) انقلاب اسلامی (د) سخنان راست بزرگان
۹۴- کتاب « جامع التواریخ » اثر کدام شخصیت است؟

- الف) خواجه رشیدالدین فضل الله (ب) نظامی گنجوی
۹۵- کدام یک از گزینه های زیر با بقیه متفاوت است؟
الف) عرصه = میدان (ب) کرامت = جوانمردی
۹۶- املاي کدام گزینه صحیح است ؟
الف) رایحه (ب) لحجه
۹۷- املاي کدام گروه کلمات نادرست است؟
الف) رایحه‌ی دل انگیز (ب) بغض و کینه
۹۸- کلمه ی « عظیم » با کدام کلمه هم خانواده نیست ؟
الف) معظّم (ب) ناظم
۹۹- مفهوم کنایی کدام گزینه نادرست است؟
الف) سردر گریبان بودن : بی توجه بودن
ج) گل از گل شکفتن : خوشحال شدن
۱۰۰- در کوتاه نویسی باید دقت کنیم
الف) جمله های ادبی (ب) حاشیه گذاری
۱۰۱- در کدام مصراع آرایه ی « تضاد » وجود دارد ؟
الف) مرد را معرفت و علم و ادب می باید .
ج) گرچه در کسب هنر رنج و تعب می باید .
۱۰۲- فرهنگستان کدام واژه را معادل فارسی « ایمیل » قرار داده است؟
الف) رایانامه (ب) پایگاه
۱۰۳- در بیت " عزت از خواري نشناخته اي / عمر در خارکشي باخته اي " چه آرایه ای به کار رفته است ؟
الف) تضاد (ب) جناس
۱۰۴- در کدام گزینه آرایه ی « تشبیه » به کار رفته است؟
الف) مسلم اوّل شه مردان علی است
ج) از ولای دودمانش زنده ام
۱۰۵- از شاعران عهد مشروطه است که اشعار طنز آمیز و انتقادی دارد .
الف) سعید بیابانکی (ب) قائم مقام فراهانی
۱۰۶- کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟
الف) طراوت = شادابی (ب) قصّه = داستان
۱۰۷- در بیت « پرستار امرش همه چیز و کس / بنی آدم و مرغ و مور و مگس » واژه ی « پرستار » به چه معناست؟
الف) مطیع (ب) مواظبت کردن
۱۰۸- املاي کدام گزینه صحیح است ؟
الف) مشغّت (ب) فرست
۱۰۹- واژه ی « رب » با کدام کلمه می تواند هم قافیه شود ؟
الف) خدا (ب) پروردگار
۱۱۰- کدام مصراع زیر دارای آرایه ی « تشخیص » است؟
الف) چون برآید این همه گل های نغز کامکار؟
ج) ابر از هجر که می گرید بدین سان زار زار ؟
۱۱۱- در بیت « لبخند تو خلاصه ی خوبی هاست / لختی بخند که خنده ی گل زیباست » چه آرایه ای به کار رفته است
الف) توصیف (ب) نغمه ی حروف
۱۱۲- کدام گزینه درباره ی « قآنی » نادرست است؟
الف) کتاب پریشان خود را به تقلید از بوستان سعدی نوشت
ج) آرامگاه او در جوار حضرت حضرت عبدالعظیم است
۱۱۳- در کدام گزینه آرایه ی « تکرار » دیده می شود؟
الف) گفتمش : پس آن خدای خشمگین
ب) گفت : « آری خانه ی او بی رباست
ج) مهربان و ساده و بی کینه است
د) تازه فهمیدم : خدایم این خداست
۱۱۴- در کدام گزینه غلط املايي وجود دارد؟
الف) اسرار پیچیده ی حکیمانه ای در آفریدن خفاشان است
ج) بر فراز گردن طاووس ، کاکلی پر نقش و نگار رویده است
۱۱۵- کدام فعل « دوم شخص جمع » است؟
الف) مي گفتند (ب) مي گفتيم
۱۱۶- کدام یک از کتاب های زیر اثر مرحوم « قیصر امین پور » می باشد؟
الف) چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟
د) از کجا گردد پدیدار ، این همه نقش و نگار؟
۱۱۱- در بیت « لبخند تو خلاصه ی خوبی هاست / لختی بخند که خنده ی گل زیباست » چه آرایه ای به کار رفته است
الف) توصیف (ب) نغمه ی حروف
۱۱۲- کدام گزینه درباره ی « قآنی » نادرست است؟
الف) کتاب پریشان خود را به تقلید از بوستان سعدی نوشت
ج) آرامگاه او در جوار حضرت حضرت عبدالعظیم است
۱۱۳- در کدام گزینه آرایه ی « تکرار » دیده می شود؟
الف) گفتمش : پس آن خدای خشمگین
ب) گفت : « آری خانه ی او بی رباست
ج) مهربان و ساده و بی کینه است
د) تازه فهمیدم : خدایم این خداست
۱۱۴- در کدام گزینه غلط املايي وجود دارد؟
الف) اسرار پیچیده ی حکیمانه ای در آفریدن خفاشان است
ج) بر فراز گردن طاووس ، کاکلی پر نقش و نگار رویده است
۱۱۵- کدام فعل « دوم شخص جمع » است؟
الف) مي گفتند (ب) مي گفتيم
۱۱۶- کدام یک از کتاب های زیر اثر مرحوم « قیصر امین پور » می باشد؟
الف) چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟
د) از کجا گردد پدیدار ، این همه نقش و نگار؟

الف) تاریخ اردلان	ب) به قول پرستو	ج) رساله ی قشیریّه	د) جامع التّواریخ
۱۱۷- « فروغ » یعنی :	الف) پرتو	ب) جمال	ج) شکست
۱۱۸- املاى کدام گزینه غلط می باشد ؟	الف) نصیحت	ب) محار احساسات	ج) عشق و عاطفه
۱۱۹- در کدام گزینه غلط املايی دیده می شود ؟	الف) تصوّر همه از آینده یک زندگی آرمانی است	ب) ما به ایران می نازیم و سر از همگنان بر می افرازیم	ج) پروردگار پاک را سپاس بگذار
۱۲۰- کدام یک از گزینه های زیر غلط است؟	الف) نصیب = بهره	ب) تصوّر = خیال	ج) اعتبار = ارزش
۱۲۱- در کدام بیت واژه ی مخفف دیده می شود ؟	الف) زین گفته سعادت تو جویم	ب) می باش به عمر خود سحر خیز	ج) هر شب که روی به جامه ی خواب
۱۲۲- در بیت « خیزید و خز آید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است » چه آرایه ای دیده می شود؟	الف) تشبیه	ب) واج آرایی	ج) تناسب
۱۲۳- به نوشته هایی که راه و رسم بهتر زیستن و خوشبختی را نشان می دهند ادبیّات می گویند .	الف) تعلیمی	ب) غنائی	ج) حماسی
۱۲۴- کدام یک از کتاب های زیر نمونه ی یک ادبیّاتِ « اندرزی » محسوب می شود ؟	الف) کلیله و دمنه	ب) بهارستان	ج) تاریخ اردلان
۱۲۵- به واژه هایی که هم معنی هستند می گویند .	الف) متضاد	ب) مترادف	ج) متشابه
۱۲۶- کدام مصراع زیر دارای آرایه ی « تلمیح » است؟	الف) یکی را به سر ، برنهد تاج بخت	ب) تأمل در آینه ی دل کنی	ج) گلستان کند آتشی بر خلیل
۱۲۷- واژه های کدام گزینه هم آوا (متشابه) نمی باشند ؟	الف) حیاط - حیات	ب) خیش - خویش	ج) خوار - خار
۱۲۸- عبارت « از او سوالم را پرسیدم » چگونه جمله ای است؟	الف) خبری	ب) پرسشی	ج) امری
۱۲۹- دو فعل « گفتم و برخاستند » مربوط به چه شخص و شماری است ؟	الف) دوم شخص مفرد - سوم شخص مفرد	ب) اول شخص جمع - سوم شخص مفرد	ج) اول شخص مفرد - سوم شخص جمع
۱۳۰- معنی کدام واژه ها نادرست است ؟	الف) نژند : غمگین	ب) هان : فلانی	ج) گوهر : مروارید
۳- املاى کدام گزینه صحیح است ؟	الف) استرلاب	ب) اصارت	ج) غوقا
			د) فضایل